

## سازماندهی و توسعه تعاونیهای مسکن

مأخذ: کتابچه تعاونیهای مسکن - تجارب در همیاری  
برگردان: مهندس علی محمد علیخانزاده  
مدیر کل تعاونیهای عمرانی و مسکن - وزارت تعاون

### مقدمه مترجم

«استراتژی جهانی سرپناه ۲۰۰۰» که در سال ۱۹۸۸ میلادی و در چهل و سومین اجلاس عمومی مجمع عمومی سازمان ملل مورد پذیرش قرار گرفت تأکید فراوانی بر اتخاذ روش‌هایی مبتنی بر اصل «توانمندسازی» گروه‌ها و سازمانهای دولتی و غیردولتی برای رفع مشکل سرپناه در جهان دارد. در قطعنامه این اجلاس و نیز در قطعنامه اجلاس عمومی ملل متحد در مورد اسکان بشر که تحت عنوان «مبانیات - ۲» در سال ۱۹۹۶ میلادی در استانبول ترکیه برگزار گردید دولت‌ها موظف شده‌اند چارچوبهای سیاست‌های خود در بخش مسکن را با حفظ اصل توانمندسازی به گونه‌ای تنظیم نمایند که امکان اعمال سیاست‌های حمایتی از گروه‌های فعال در بخش مسکن و خصوصاً گروه‌های تعاونی فراهم آید. مرکز اسکان بشر سازمان ملل «UNCHS» در سال ۱۹۸۹ (م) کتابچه‌ای تحت عنوان «تعاونی‌های مسکن - تجارب همیاری» منتشر نمود که در آن چهار تجربه از کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین در خصوص تأمین مسکن مورد بحث قرار گرفته است. در این مطالعات موردی، شماری از شکل‌های مختلف مدیریتی، تکنیکال، تمهیدات مالی و تجهیز سرمایه، موارد حقوقی و مالکیت و ... در تعاونی‌های مسکن بصورت تطبیقی تشریح و نتیجه‌گیری شده است. مجموعه یافته‌های این کتابچه می‌تواند دستمایه ارزشمندی برای سیاست‌گزاران، برنامه‌ریزان، سازمان دهندگان و مدیران تعاونی مسکن باشد.

بخش اول کتابچه به سرفصل‌های موضوعی کلان و عمومی، شامل تصرف، مالکیت زمین، سازماندهی، توسعه تعاونی مسکن، سازماندهی و مدیریت ساختمانسازی به روش خودیاری، امور مالی و تجهیز سرمایه و نهادینه کردن حمایت‌ها اختصاص دارد. در بخش‌های بعدی نشریه مطالعات موردی منتخب بصورت تطبیقی در زمینه‌های یاد شده مورد بحث قرار می‌گیرند. در عین حال جزئیات هر یک از موارد مطالعه بطور مستقل نیز آورده شده است. متن حاضر ترجمه یکی از مباحث عمومی کتابچه تحت عنوان «سازماندهی و توسعه تعاونی مسکن» است. تلاش خواهد شد تا سایر موضوعات کتابچه نیز تدریجاً ترجمه و در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

از چهار مطالعه موردی، دو مورد تحت عنوان «طراحی نظام فراگیر ارتقاء و توسعه تعاونی‌های مسکن در اتیوپی» و «جامعه تعاونی مسکن کارگران کشت پنبه بولاویو زیمبابوه» (CPWCS) در آفریقا، یک مورد بنام «طرح بهسازی حوزه ایسیاس گومز» در مانتاگوئه - نیکاراگوئه (J.I. GOMEZ) واقع در آمریکای لاتین و آخرین مورد مربوط به فعالیت «بنیاد همیاری پاکنامبایایونگ» در شهر سیبو فیلیپین» (بنیاد PAG) در آسیا قرار دارند.

موفق‌ترین تعاونی‌های مسکن معمولاً در تعدادی وجوه و عوامل مشترک‌اند هرچند که ماهیت واقعی و نقطه قوت این عوامل بسته به مورد ممکن است با یکدیگر متفاوت باشد. این عوامل که به یکدیگر وابسته‌اند و هر کدام موجب تقویت دیگری است عبارتند از مدیریت خوب، پیوندهای مشترک و توسعه منابع انسانی.

#### الف: مدیریت

در تعاونی مسکن، مدیریت عاملی حیاتی برای دستیابی به اهداف محسوب می‌شود. عناصر مدیریتی تأثیرگذار بر یکدیگر همچون استراتژی (راهبرد)، ساختار، نظام‌مندی (سیستم‌ها)، کارکنان و مهارت‌ها و در نهایت رهبری بایستی مورد توجه قرار گیرند. این عناصر به شرح ذیل مورد بحث قرار خواهند گرفت.

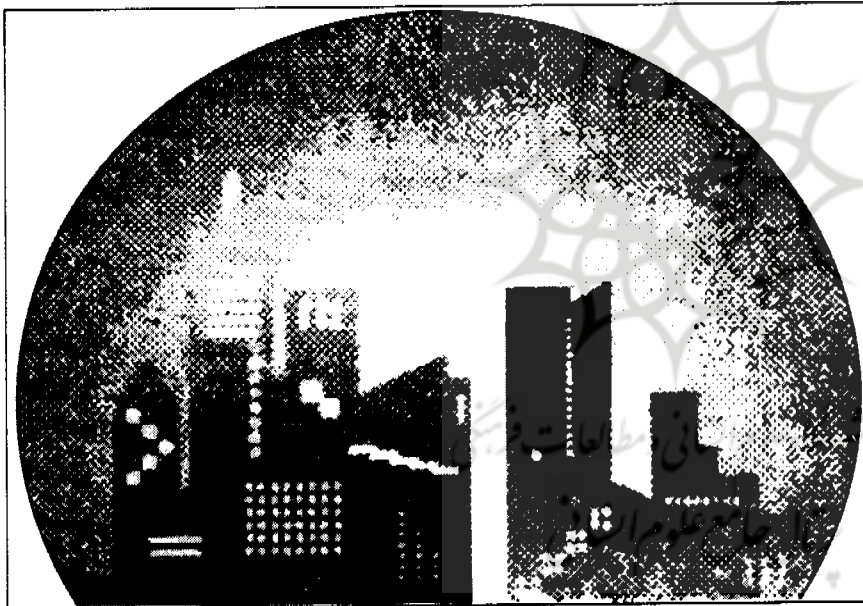
#### ۱- استراتژی (راهبرد)

استراتژی، برنامه عملیاتی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است. در کلیه مطالعات موردی (که در این کتابچه آمده است) یک استراتژی مدون و شفاف دیده می‌شود که همان نیز توسط تعاونیها دنبال شده است. در اتیوپی، راهبردی بسیار بسته که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعریف شده است و تعاونی‌های مسکن بایستی در قالب آن عمل نمایند دنبال می‌شود. در زیمبابوه جامعه تعاونی (CPWCS) اهدافی را تعیین و دنبال می‌نماید درحالی‌که دولت هنوز نتوانسته است راهبرد مشخصی را برای اجرای سیاست‌های حمایتی خود از تعاونی‌های مسکن ترسیم نماید. راهبردهای بنیاد PAG براساس شیوه خاصی از مدیریت شکل گرفته و از

انعطاف بیشتری برخوردار است. در نیکاراگوئه تا مدت‌های مدید وجود تفاوت‌هایی میان دیدگاهها و انتظارات اعضای تعاونی مسکن (J.I.GOMEZ) و وزارت مسکن و شهرسازی موجب بروز سوء تفاهم و پیامدهای ناشی از آن گردید.

#### ۲- ساختار

ساختار یک سازمانی بایستی با برنامه‌های سازمان و همچنین فلسفه وجودی آن همخوانی داشته باشد. اساساً شرکت تعاونی با یک وزارتخانه و یا شرکت خصوصی تفاوت دارد. ساختار یکسانی وجود ندارد و بنابراین ساختار تعاونی‌ها بایستی متناسب با نیازهایشان



شکل گیرد. در اتیوپی، تعاونی‌های ساده و کوچک از یک مجمع عمومی با عضویت تمامی اعضا و شش کمیته برای دنبال نمودن کارها تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها عبارتند از کمیته اجرایی که بر کار سایر کمیته‌ها نظارت دارد و کمیته‌هایی برای حسابرسی، امور فنی و مهندسی، خرید و تأمین مواد و مصالح ساختمانی، حمل و نقل و کمیته فعالیت‌های

اجتماعی؛ تشکیل این کمیته‌ها برای اداره نمودن فرایند پیچیده ساختمانسازی خصوصاً در مراکزی که کمبود مصالح ساختمانی وجود دارد امری ضروری است.

جامعه تعاونی (CPWCS) از نظر مدیریتی ساختاری متمرکز دارد. عالیترین سطح جامعه، مجمع کارگران است که یک کمیته اجرایی را برای اداره کلیه امور جامعه (که مسکن نیز یکی از فعالترین آن محسوب می‌شود) انتخاب می‌نماید. یک کمیته مدیریتی که در واقع پروژه‌های مسکن سازی را اداره می‌نماید به کمیته اجرایی گزارش می‌دهد. (بنیاد PAG) ساختاری کاملاً متفاوت دارد. رابطه بنیاد با اعضای رابطه‌ای کمرنگ و

در حد ارائه مشاوره به آنها در مورد پروژه‌های مختلف تا رسیدن به توافق دوجانبه است. بعد از گذر از این مرحله برای هر فعالیتی قراردادی فی‌مابین طرفین منعقد می‌شود. این فعالیت می‌تواند خرید و تأمین زمین، اخذ وام برای ساختمانسازی و یا ارائه طرح و برنامه برای ایجاد درآمد باشد. مطالعه تعاونی مسکن (J.I.GOMEZ) به خوبی نشان می‌دهد که

چگونه با استفاده از اصل «سعی و خطا» و با کنار گذاشتن شیوه‌های مدیریت آمرانه که در آن قدرت در دست یک نفر یا یک هیئت متمرکز می‌شود توانسته‌اند ساختاری مبتنی بر مشارکت عمومی ایجاد نمایند.

یک گروه کوچک ۱۰ تا ۲۵ نفره از اعضا که برای خرید زمینی دور یکدیگر جمع می‌شوند ممکن است ساختار تشکیلاتی ساده‌ای را بوجود آورند و کلیه تصمیمات خود را در جلسات مستمر و منظم هفتگی اتخاذ نمایند. از طرف دیگر یک گروه بزرگتر با اهداف پیچیده‌تری مانند ساختمانسازی به روش خودیاری متقابل و یا مالکیت اشتراکی طبعاً به ساختاری پیچیده‌تر که در آن هر بخش از کار به کمیته‌ای خاص محول شده باشد نیاز خواهد داشت. معمولاً کمیته‌ای مدیریتی که دارای مسئولیتی عمومی است تشکیل می‌شود لیکن در کنار آن کمیته‌هایی نیز برای اداره امور مالی، آموزش و نیز کمیته ساختمانسازی که کار سازماندهی ساخت مسکن توسط خود اعضا را بر عهده خواهد داشت می‌توان ایجاد نمود.

سازمان‌هایی مانند تعاونی که اساساً ساختار آنها مبتنی بر مشارکت مردمی است از نظر تشکیلاتی با سازمانهای دولتی متفاوت‌اند. اولی ساختاری ساده دارد که در آن جایگاهی برای جلب مشارکت‌های مردمی پیش‌بینی گردیده است و دیگری از ساختاری مبتنی بر رعایت سلسله مراتب تصمیم‌گیری که در آن تعداد اندکی حق اتخاذ تصمیم دارند برخوردار است.

### ۳- نظام

روش‌های مختلفی وجود دارد که مدیران تعاونی (و یا هر سازمانی) از آنها برای دستیابی

به اهداف و برنامه‌های اجرایی خود بهره می‌گیرند. طراحی این نظامات از نقطه نظر ارائه اطلاعات و گزارشات بسیار حیاتی است. برای مثال نظام تعاونی‌ها در اتیوپی به گونه‌ای است که یک «کمیته عملیاتی» به «کمیته اجرایی» گزارش می‌دهد درحالی‌که در تعاونی (J.I. GOMEZ) گزارش امور روز شنبه هر هفته مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تعاونی‌ها نظامات بایستی منعکس کننده فرایند مستمر و مداوم مشارکت مردمی باشند.

**تجربه مشترک تمام  
تعاونی‌های مسکن نشان  
می‌دهد که موفقیت آنها تا  
حدود زیادی به میزان تفاهم  
میان اعضا و وجود تنوع در  
مهارت‌ها، خلاقیت‌ها و  
توانمندی‌ها در میان آنها  
بستگی دارد. بسیاری از مسائل  
و مشکلات در تعاونی ممکن  
است از عدم آمادگی و تمایل  
حتی یک عضو معمولی برای  
مشارکت در امور ناشی شود.**

### ۴- کارکنان و مهارت‌ها

به خدمت گرفتن کارکنان و متخصصان در سازمانها خصوصاً سازمانهای پشتیبانی کننده موضوعی بسیار با اهمیت است. برای مثال وزارت مسکن و شهرسازی نیکاراگوئه در عین برخوردار از متخصصین فنی، از نظر داشتن متخصصینی که در زمینه رفاه و توسعه اجتماعی صاحب نظر باشند در مضیقه بود. وزارت مسکن و شهرسازی اتیوپی با داشتن چهار بخش فنی، مالی و حسابرسی، آموزش و سازمان تعاونی‌ها که همگی کارکنانی

تحصیل کرده و مجرب دارند از ساختاری متعادل تر برخوردار است.

### ۵- رهبری

نوع و شیوه مدیریت یکی از عوامل اصلی برای دستیابی به موفقیت است. در سطوح مقدماتی، اعضا کمیته‌ها (که در سطح خود یک مجموعه مدیریتی است) معمولاً بایستی، شنونده باشند و به یاد داشته باشند که فقط وظیفه خدمت‌رسانی به اعضا تعاونی‌ها را بر عهده دارند. آنها همچنین بایستی کارآیی و توانمندی لازم را برای انجام دادن کارها داشته باشند. (جامعه CPWCS) و (بنیاد PAG) مثال‌های خوبی برای این امر می‌باشند. درحالی‌که نیاز به داشتن اینگونه قابلیت‌ها در اعضا امری بدیهی است هنوز هم شیوه‌های مدیریت آمرانه جزو ویژگی‌های مدیریتی بسیاری از مدیران تعاونی‌ها است.

رهبری (چه بصورت فردی و چه بصورت گروهی) در همه تعاونی‌های مورد مطالعه مثبت ارزیابی شده است. رهبریتی که از درک و بیش کفایت برای متبلور و شفاف‌سازی پروژه‌ها، توانمندی لازم برای سازماندهی اعضا و همچنین هدایت پروژه تا پایان مأموریت آن بهره کافی داشته است (جامعه CPWCS) و (بنیاد PAG) مدیرانی داشته‌اند که با تکیه بر توانمندی و همت والای خود امور را هدایت می‌نمودند و با جلب مشارکت اعضا از پشتیبانی کامل آنها برخوردار بودند هرچند که در عمل و بطور سازمان یافته مورد حمایت هیچ تشکیلاتی قرار نداشتند.

دستیابی به این توازن کار ساده‌ای نیست. تعاونی‌هایی (مانند مطالعه موردی اتیوپی) که در بطن یک تشکیلات دولتی شکل گرفته‌اند احتمالاً نیاز به رهبریتی آینده نگرانه نداشته

باشند اما بطور قطع و یقین باید مدیرانی توانمند برای سازماندهی و اداره امور بکار گیرند. تجربه (GOMEZ) از جمله مواردی است که در آن رهبری و هدایت تعاونی بجای تکیه بر مهارتها در امر ساختمانسازی به مدیریتی مبتنی بر توان و مهارتها در زمینه توسعه اجتماعی متکی بوده است.

این امری کاملاً غیر عادی است که تمامی توانمندیها و مهارتها لازم برای رهبری سازمان در یک شخص متمرکز شده باشد. نوع و شیوه مدیریت تعاونی که ماهیتاً سازمانی مبتنی بر مشارکت جمعی است با سازمانهایی که براساس رعایت سلسله مراتب مدیریتی اداره می شود تفاوت دارد. در عین حال در بسیاری از کشورها هنوز هم شیوه مدیریتی «از بالا به پائین» رایج است و غالباً این شیوه مدیریتی با حاکم بودن تفکر سنتی «پیروی از حاکم قوی و بلامنازع» در آن کشورها و قرار گرفتن در متن چنین تفکری تشدید می شود.

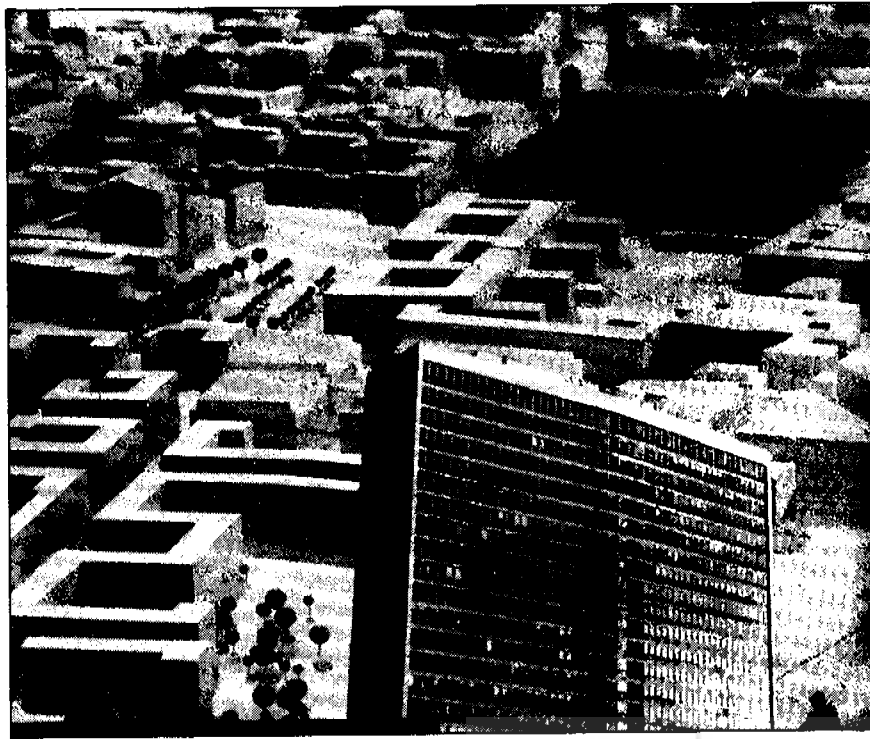
#### ب: پیوندهای مشترک

موفقیت در دستیابی به اهداف مستلزم اینست که تمامی اعضاء یک تعاونی به اهداف آن معتقد و برای رسیدن به آنها در خود احساس تعهد و التزام نمایند. ممکن است تمامی اعضاء درک و شناخت یکسانی از نیاز مشترک خود داشته باشند لیکن کسب اطمینان از اینکه همگی آنها نسبت به رفع نیاز مشترک عملاً خود را ملزم می بینند کاری است که احتیاج به زمان بیشتری دارد. رهبری تعاونی نیازمند بکارگیری شیوههایی برای جلب مشارکت عمومی است. ساختار تعاونی نیز بایستی به گونه ای باشد که زمینه لازم را برای مشارکت عمومی فراهم آورد. در جامعه تعاونی CPWCS ابتدا مقاومت هایی بهمراه

جو عدم اعتماد در میان اعضاء نسبت به تعاونی دیده شد لیکن پس از آنکه تعاونی توانست برنامه های خود را در خصوص توسعه و رفاه جامعه با موفقیت به اجرا درآورد، زمینه برای ورود به مقوله مسکن نیز فراهم گردید.

در مورد (J.I.GOMEZ) نیز التزام اعضاء نسبت به تعهدات خود در قبال تعاونی حالتی منفعلانه و بطئی داشت لیکن سازماندهی مجدد و بهبود روند ساختمان سازی توسط هیئت مدیره تأثیری مهم داشت و موجب بالا رفتن روحیه اعضاء گردید. فعالیت های (بنیاد PAG) عمدتاً بر ارائه طرح و برنامه در زمینه های رفاه و توسعه جامعه متمرکز بود.

وجود پیوندهای مشترک میان اعضاء مسئله ای بسیار حیاتی برای موفقیت یک تعاونی است. تمامی اعضاء تعاونی و یا کسانی که بعداً به عضویت تعاونی درخواهند آمد قطعاً در برخی زمینه ها دارای وجوهات مشترکی هستند و همین مشترکات است که آنها را بهم پیوند داده در تلاش برای دستیابی



به اهداف مورد توافق شان راسخ تر می نماید. در تمامی اشکال تعاونی، عنصر واقعی این پیوند صرفاً شناسایی آن «نیاز مشترک» است. این نیاز مشترک ممکن است حذف واسطه از بازار توزیع محصولات کشاورزی، یا خرید کالای مصرفی ارزاتر و یا دستیابی به مسکن بهتر و ارزاتر باشد.

تعریف جامعتری برای پیوند مشترک با استفاده از سایر مشترکاتی مانند تعلقات مذهبی، همسایگی، محل کار و یا عضویت مشترک در مؤسسات بدست آمده است. عضویت در مؤسسات اعتباری غالباً به عنوان یکی از مشترکات مؤثر مطرح است چرا که معمولاً این امکان وجود دارد که بتوان از منابع مالی اینگونه مؤسسات استفاده نمود. در مورد فعالیت بنیاد PAG در شهر سیبو Cebu وجود یک نیاز مشخص که بتواند به عنوان یک پیونددهنده عمل نماید کافی به نظر می رسد و مهمتر از آن وجود یک رهبریت قوی و در عین حال الهام بخش و اعضائی متعهد به

آرمانهای تعاونی کاملاً چشمگیر و تعیین کننده بود. وام‌های ساختمانی براساس تعهدات و التزامات جمعی و گروهی اعضاء برای بازپرداخت آنها سریعاً در اختیار تعاونی قرار می‌گرفت.

در مورد (J.I.GOMEZ) سطح نازلی از مشارکت جمعی را شاهد هستیم چرا که برنامه‌ها از بالا تنظیم و به اعضاء دیکته می‌گردید. در میان ساکنین محل، یک احساس عمومی نسبت به وجود «یک نیاز مشترک» و نیز احساس «عدم امنیت در تصرف» بوجود آمده بود. ایجاد و گسترش «یک احساس عمومی» در میان اعضاء و توسعه آن از طریق کار گروهی، درس سازنده‌ای است که از این تجربه می‌توان آموخت.

در بسیاری از تعاونی‌های مسکن «محل کار» به عنوان یک عامل مشترک پیونددهنده عمل می‌نماید. وجود این عامل کار تعاونی را ساده‌تر می‌کند چرا که بازپرداخت وام‌های دریافتی، از طریق کسر بخشی از حقوق کارکنان شاغل در آن محل که عضو تعاونی هستند امکانپذیر می‌باشد. جامعه تعاونی "CPWCS" براساس یکسان بودن محل اشتغال اعضاء شکل گرفته است و بنابراین بازپرداخت وام‌های دریافتی اعضاء از محل حقوق آنان صورت می‌گیرد. در عین حال محل کار مهمترین دلیل پیوند میان اعضاء محسوب می‌شود اعضاء محل کار را عاملی با ارزش تلقی می‌کنند و معتقدند در آینده و در چارچوب ایجاد تشکیلاتی منظم در آن محل، وضعیت معیشتی کارکنان رو به بهبودی خواهد گذاشت. اعضاء همچنین کمک‌ها و حمایت‌های قابل توجهی را از جانب کارفرمایان خود دریافت می‌نمایند.

«محل کار» به عنوان یک عامل مشترک،

مبنای تشکیل تعاونی برای طبقات متوسط و کم درآمد و عموماً کارکنان دولت در اتیوپی محسوب می‌شود. در سایر موارد مورد مطالعه، انتخاب «محل کار» به عنوان یک پیوند دهنده مشترک در تشکیلات تعاونی مسکن عمدتاً براین اساس است که امکان کسر وام‌های دریافتی اعضاء از حقوق آنها، اولاً مانع از این می‌شود که برخی از آنها وام‌های خود را بازپرداخت نمایند و ثانیاً امکان پس‌انداز برای اعضاء نیز فراهم می‌آید البته این نوع تعاونی برای افرادی تشکیل می‌شود که در استخدام بخش دولتی‌اند و همین امر موجب می‌شود سایر علاقمندان نتوانند به عضویت اینگونه تعاونی‌های مسکن درآیند.

## موفقیت در دستیابی به اهداف مستلزم اینست که تمامی اعضاء یک تعاونی به اهداف آن معتقد و برای رسیدن به آنها در خود احساس تعهد و التزام نمایند.

در سایر کشورها، تعاونی‌های مسکن براساس عضویت افراد در مؤسسات مالی و اعتبار شکل می‌گیرد و خود این امر زمینه مالی مناسبی را برای آغاز فعالیتها بوجود می‌آورد. وجود مشترکاتی از قبیل اقامت در یک واحد همسایگی، حضور در یک مکان مذهبی، محل کار مشترک به نوبه خود موجب پیوند میان این اتحادیه‌های اعتبار گردید.

مروجین و مسؤلان توسعه امر تعاون، هنگام تأسیس یک شرکت تعاونی بایستی سئوالات زیر را در نظر داشته باشند.

\* اعضاء بالقوه تعاونی چه کسانی‌اند و چه عواملی آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد؟

\* آیا در میان آنها مشترکاتی از قبیل نگرانی از تحلیه اجباری خانه، بدمسکنی، اجاره‌های بالا و یا تمایل گروهی اعضاء برای

اقامت در یک واحد همسایگی وجود دارد که آنها را به هم پیوند دهد؟

\* آیا عوامل مشترک دیگری مانند عضویت در یک سازمان و تشکیلات و یا یکسان بودن محل کار وجود دارد؟

\* آیا برخی عوامل منفی وجود دارد که بایستی در نظر گرفته شوند مانند ناهمگون بودن بافت اجتماعی در یک منطقه جدید شهری، تفرقه و جدایی ناشی از وابستگی به گروههای متفاوت مذهبی، دسته‌بندی‌های سیاسی و تعلقات مذهبی.

در عین عاملی مشترک و پیوند دهنده در یک شرایط ممکن است در شرایط دیگر به عنوان عامل تفرقه بروز نماید.

ج: توسعه منابع انسانی

تجربه مشترک تمام تعاونی‌های مسکن نشان می‌دهد که موفقیت آنها تا حدود زیادی به میزان تفاهم میان اعضاء و وجود تنوع در مهارتها، خلاقیت‌ها و توانمندی‌ها در میان آنها بستگی دارد. بسیاری از مسائل و مشکلات در تعاونی ممکن است از عدم آمادگی و تمایل حتی یک عضو معمولی برای مشارکت در امور ناشی شود. برای مثال بخشی از سوء تفاهماتی که میان اعضاء تعاونی (J.I.GOMEZ) بروز نمود ناشی از برقراری ارتباطات ضعیف و غیرشفاف و بخش دیگر مربوط به عدم رشد و توسعه تفکر مشارکت جمعی در میان اعضاء بوده است.

برای اینکه اعضاء قادر باشند در فرایند اداره امور تعاونی مشارکت نمایند لازم است

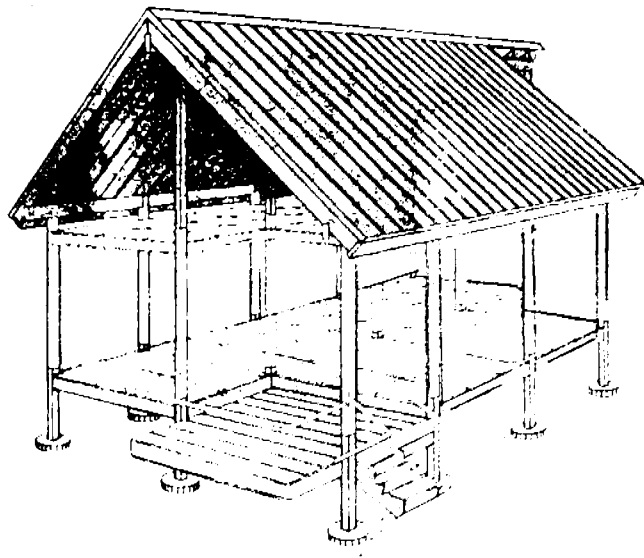
خارج شوند... و...

در هر صورت یکی از عمده‌ترین مسئولیت‌هایی که قانون اساسی بعهده دولت گذاشته است، تامین مسکن برای افراد جامعه است. از سوی دیگر جز آنچه مربوط به مصالح عمومی جامعه و هدایت امکانات موجود برای احقاق حق برای عموم آحاد جامعه می‌شود، انتظار دیگری از دولت در زمینه ساخت و سازهای عمومی مسکن نمی‌رود. مگر آن که شرایط بگونه‌ای فراهم شود که موجبات دخالت و مداخلت مستقیم آن را در امر احداث مسکن فراهم شود. در وضع فعلی، سازمان‌های دولتی نمی‌توانند مدعی آن باشند که به تنهایی قادرند برای همه مردم مسکن بسازند. اگر چه تمرکز فعالیت‌های دولت در امر احداث واحدهای استیجاری کوچک و موقت بعنوان عامل تعدیل‌کننده تقاضا تا مرحله خودکفایی نیازندان و متقاضیان کم درآمد نیاز فوری بسیاری از مردم را کاهش می‌دهد یا اقلأً از شدت تقاضا خواهد کاست و مطلوب خواهد بود که دولت در درجه اول فعالیت و امکانات خود را در این راستا متمرکز کند، معدالک در بلندمدت این تقاضا مستلزم توجه برنامه‌ریزان به این نکته است که تقاضای چه کسانی مستوجب توجه دولت برای هدایت امکانات جهت رفع نیاز آنان است.

به طور کلی امر مسکن در سطح جامعه از

دیدگاه ۳ گروه مورد توجه است:

الف - مصرف‌کننده: در جامعه ما ۳ طبقه متقاضی می‌باشند. یک گروه آن دسته از متقاضیانی‌اند که اساساً نیازی به کمک دولت ندارند و خود نیز می‌توانند به خوبی و بدون هیچگونه کمکی از طرف دولت از عهده



## به بهانه سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران

از: شکراله حسن پور

دانشگاه تهران ترتیب داد و پی‌آمد آن در مشهد نیز سمیناری ترتیب داده شد که «چه کسی مسکن بسازد، انبوه‌ساز، شرکتهای تعاونی مسکن، دولت یا بخش خصوصی».

واقعیت امر آن است در سمیناری که در دانشگاه تهران تشکیل شده بسیاری از صاحب‌نظران توجه آگاهانه‌ای در خصوص ضرورت فعالیت شرکت‌های تعاونی مسکن بعنوان یک عنصر موثر برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه ابراز نمودند و گفتند که «شرکتهای تعاونی بهترین راه برای افراد نیازمند است». یا «تعاونی‌ها فعلاً بدلیل مشکلات مالی نمی‌توانند مشکل اساسی مسکن را حل نمایند ولی در درازمدت با برنامه‌ریزی جهت احداث بنا برای مردم موثرند.» یا «باید شرکتهای تعاون مسکن باید از شکل موقت

صرفنظر از ازدیاد جمعیت و مهاجرت‌های فرزونی‌پذیر فعلی که تقاضای مسکن را در جامعه ما تحریک می‌کند، توسعه بی‌رویه شهرها نیز که تناسب آن را با امکانات موجود شهری قطعاً دچار تردید می‌کند، برنامه‌ریزی مساعد برای تولید مسکن هر چند نه در حد آرمانی بلکه در حدودی که بتواند وضع موجود را حفظ کند، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

این معضل محدود به کشور ما نیست، بلکه بسیاری از کشورها بویژه کشورهای رو به توسعه و توسعه نیافته با آن دست به گریبانند، به همین دلیل به عنوان مساله قابل توجه جهانی طی هفته جهانی اسکان بشر جزو سرلوحه‌های چاره‌اندیشی سازمان ملل متحد قرار گرفت. در کشور ما نیز وزارت مسکن و شهرسازی بعنوان متولی برنامه‌ریزی مسکن سمیناری را در

تامین مسکن مورد نیاز خود برآیند. اگر چه این گروه توانایی‌های بیشتری نسبت به دیگر طبقات برای جذب کمک‌های دولتی دارا می‌باشند ولی دولت در قبال این گروه تعهدی نمی‌تواند داشته باشد.

گروه دوم، آن دسته از افراد جامعه‌اند که نه خود به تنهایی می‌توانند صاحب خانه شوند و نه از طریق اعطای کمک از طرف دولت برای بخشی از هزینه تامین مسکن می‌توان آنان را در تامین مسکن یاری نموده و تحریک تقاضای مسکن مستقل ملکی برای این طبقه تا زمانی که توانایی مالی‌شان افزایش نیابد مشکلی را برای آنان حل نخواهد نمود. برای کمک به این گروه دولت می‌تواند از واحدهای اجاری موقت و ارزان قیمت که توسط دستگاه‌های وابسته ساخته می‌شود، در اختیار بگذارد. در عین حال اصلاح قوانین فعلی مالک و مستاجر نیز در افزایش عرضه و در نتیجه کاهش مشکلات اجاره‌نشینی و در نتیجه کاهش تحریک تقاضا برای همه طبقات بی‌تاثیر نخواهد بود.

گروه سوم آن دسته از افراد جامعه‌اند که بضاعت نسبی قابل حمایتی که آنان را برای صاحب‌خانه شدن کمک کند دارا می‌باشند و با حمایت دولت از نظر مادی می‌توانند سرپناهی برای خود ایجاد کنند. این گروه معمولاً از طریق خرید واحدهای مسکونی موجود، یا از طریق احداث مستقیم واحد مسکونی مورد نیاز و یا از طریق عضویت در تعاونی‌های مسکن در صدد رفع نیاز خود برمی‌آیند.

بدیهی است اقدام از طریق دوروش اول مشکلاتی را در بر خواهد داشت: اولاً تشخیص افراد مستحق برای دریافت کمک دولت چندان آسان نیست. ثانیاً واحدهای ساخته شده بوسیله این افراد از نظر کیفیت و

بکارگیری مصالح و منابع مالی و مشکلات ساخت و ساز و اصل شهرسازی و سایر مواردی که مورد توجه دولت است غالباً شرایط مطلوب را ندارد. ثالثاً دولت را برای تامین خدمات و نظارت‌های عمومی جهت ساخت و ساز و غیره در بسیاری از موارد دچار مشکل می‌کند. رابعاً افراد پراکنده برای تجمع در مناطق مورد نظر دولت به سختی راغب به سکونت می‌شوند و در نتیجه عمران مناطق مسکونی که دولت برای اسکان در نظر گرفته با دشواری مواجه است. بعنوان نمونه شهرک جدید گلپه‌هار در مشهد را می‌توان مثال زد که هنوز تعداد مورد انتظار دولت برای سکونت در آن منطقه بصورت انفرادی ساکن نشده‌اند. اما در شکل تعاونی، آن دسته از اقشار آسیب‌پذیر به عضویت تعاونی در می‌آیند که با حمایت دولت استعداد صاحب‌خانه شدن را دارا می‌باشند، مزایای ساخت و ساز در قالب تعاونی را می‌توان از جمله بشرح زیر بیان نمود:

۱- با توجه به اینکه طبعاً تعاونی از گروه

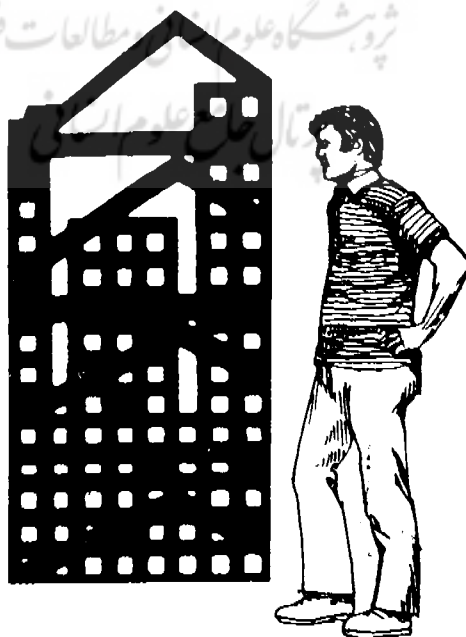
همگن تشکیل می‌شود، روابط با همسایگان با روابط انسانی حسنه‌ای توأم خواهد بود.

۲- شرکت‌های تعاونی بدلیل انبوه‌سازی ناچارند ضوابط عمومی شهرسازی و شهرداری را رعایت نمایند و در نتیجه قابلیت اعمال سیاست‌های عمومی دولت برای استحکام و ایمنی بنا سهل‌تر خواهد بود.

۳- معمولاً در بسیاری از تعاونی‌ها نقشه‌های ساختمان در مجمع عمومی مطرح می‌شود و در نتیجه نظر اکثریت اعضا (ساکنین) در محیط‌های زندگی‌شان حتی‌الامکان انتخابی و مورد توافق اکثریت آنان است.

۴- در مواردی که ایرادی در ساخت و ساز واحدها ملاحظه می‌شود، بوسیله اعضا قابل اعتراض و پیگیری و نیز قابل رفع خواهد بود.

۵- اگر چه در امر ساخت و ساز یکی از ایراداتی است که برخی از سیاست‌گذاران بخش مسکن را برای حمایت از این بخش مردد می‌سازد، ولی این ساخت‌بمروور واحدها در عین حال که خود نقضی بشمار می‌رود ولی دریافت تدریجی وجه از اعضا برای احداث مسکن سبب می‌شود که کسانی که به طور کلی از صاحب‌خانه شدن در شرایط عادی عاجزند، بتوانند بمروور خود را با شرایط وفق دهند و احتمال صاحب‌خانه شدن آنان قوت یابد. حال آنکه این گونه افراد در شرایط دیگری محال است که بتوانند صاحب‌خانه شوند. اما در عین حال باید گفت که وجود این قبیل افراد در شرکت‌های تعاونی و حتی عضویت افرادی که مطلقاً توانایی همگامی فعالیت حتی با روند ساخت و ساز تعاونی را ندارند باعث ایجاد مشکل برای مدیران و اعضای تعاونی می‌شوند. در نتیجه عملیات ساخت و ساز در



تعاونی بیش از مدت معقول طولانی می‌سازد و قابل ذکر است که همین مشکل منشأ مخالفت برخی از برنامه‌ریزان بخش مسکن برای حمایت از تعاونی‌ها می‌شود. به همین دلیل تعاونی‌ها باید در صدد رفع این نقص باشند که پیش از حد معقول ساخت پروژه در دست احداث آن به طول انجامد. زیرا افزایش قیمت‌ها در طول این مدت باعث تحمیل تورم به آن دسته از اعضای خوش حساب می‌گردد. در هر حال علیرغم آن که تعاونی یک نهاد مردمی است این آزادی آراء و احتمالاً سوءاستفاده کسانی که برای تامین منابع مالی موردنیاز ساخت و ساز تعاونی همکاری نمی‌کنند و یا مطلقاً آمادگی تادیه سهم خود به تعاونی را ندارند، چوب لای چرخهای حرکت تعاونی گردد. با وجود این تعاونی بجای پاسخگویی به نیاز آن دسته از اعضا که آماده‌اند تا در هنگام درخواست هیات مدیره برای واریز وجوه مورد تقاضا به موقع سهم خود را پرداخت نمایند، می‌تواند عملیات ساخت و ساز را در دو مرحله انجام دهد و ضمن سرعت بخشیدن به عملیات احداث واحدهای مسکونی مورد تقاضای اعضای که بینه مالی کمتری دارند، برای این قبیل داوطلبان که تمایل خود را کتباً به تعاونی اعلام می‌نمایند مهلت‌های اندکی طولانی‌تر نسبت به اعضای که آمادگی پرداخت وجوه مورد تقاضای هیات مدیره را دارند در نظر بگیرد. مثلاً برای گروه دارای توان مالی بیشتر واحد مسکونی را اندکی زودتر از بقیه آماده نماید. اما چنین عملی در صورتی دور از عوارض جانبی خواهد بود که هیات مدیره برای هر دو پروژه خود برنامه زمان‌بندی معینی را در مجمع عمومی به تصویب برساند.

۶- بدلیل انبوه‌سازی در تعاونی‌ها مراجع

صادرکننده مجوز ساخت آن‌ها را موظف به انتخاب مهندس ناظر می‌نمایند و در نتیجه احتمال نقصان در ساخت و ساز کم‌تر است.

۷- امکان تجمیع و اسکان سریع در شهرک‌ها و در نتیجه تامین خدمات شهری و یا حتی تامین هزینه از خود آن به مراتب از حالت انفرادی بیشتر است.

۸- بدلیل آنکه تعاونی انگیزه‌ای برای سودطلبی ندارد و با قیمت ارزان‌تری نسبت به بخش خصوصی فروشنده مسکن واحد مسکونی عضو را در اختیار قرار می‌دهد. اما مشکلی که در سر راهش وجود دارد آن است که با این تعاونی‌ها خود تشکیل همان مصرف‌کننده انفرادی است ولی در زمان هر هرج و مرج ساخت و ساز در آن مثل موسسات انتفاعی برخورد می‌شود. در حالی که در ساخت و سازهای انفرادی بسیاری از وصولی‌های دولت اعم از سهم شهرداری، بیمه و مالیات با دید ارفاقی بیشتری نسبت به تعاونی‌ها نگریده می‌شود. بهر حال، بر تعاونی‌ها بایستی با دید تجمیع همان ساخت و سازهای انفرادی ملاحظه شود. در بسیاری از کشورها مسئولین رده‌های بالای مملکتی که دست‌اندرکار مسائل ساخت و ساز مسکن‌اند خودشان مدیریت تعاونی‌ها را به عهده می‌گیرند و تعاونی را به دیده تسهیل‌کننده انجام وظایف دولت در رفع مشکل مسکن جامعه می‌نگرند. به عنوان مثال می‌توان از طرح ساخت ۵۰۰ هزار دستگاه واحد مسکونی در شهر آنکارا پایتخت کشور ترکیه توسط شرکت تعاونی مسکن «باتی‌کنت» با مدیریت شهردار این شهر نام برد که جایزه بزرگترین پروژه تعاون مسکن جهان را از طرف آی.سی.آ. دریافت نمود.

در هر حال مصرف‌کننده در درجه اول به

رفع مشکل مسکن خود می‌اندیشد. حال چه دولت بسازد یا بخش خصوصی یا تعاونی زیرا مصرف‌کنندگان از طرق دیگر قادر نیستند صاحب خانه شوند و از این طریق می‌توانند مورد حمایت قرار گیرند. واقعیت امر آن است که احتمال موقعیت ارائه جانب‌های دیگر بسیار ضعیف است مصداق دیگر این ادعا آن است که بگویم تعاونی حداقل ۲ بخش پس‌انداز انبوه‌سازی از شعارهای ۳ گانه پس‌انداز کوچک‌سازی و انبوه‌سازی را در اهداف خود گنجانده است، با این تفاوت که با افزایش سریع قیمت‌ها پس‌انداز او سریعاً تنزل می‌کند چرا که در شعار پس‌انداز باید به سرعت کاهش قدرت خرید در طول انتظار نیز توجه داشت.

ب - دولت: دولت به عنوان تعیین‌کننده مشی‌های عمومی مسائل اجتماعی بخش مسکن از جمله اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱- تامین مسکن برای افراد جامعه بخصوص اقشاری که خود به تنهایی از نظر مالی نمی‌توانند صاحب خانه شوند و بطور کلی کسانی که در جامعه از نظر مسکن مشکل دارند.

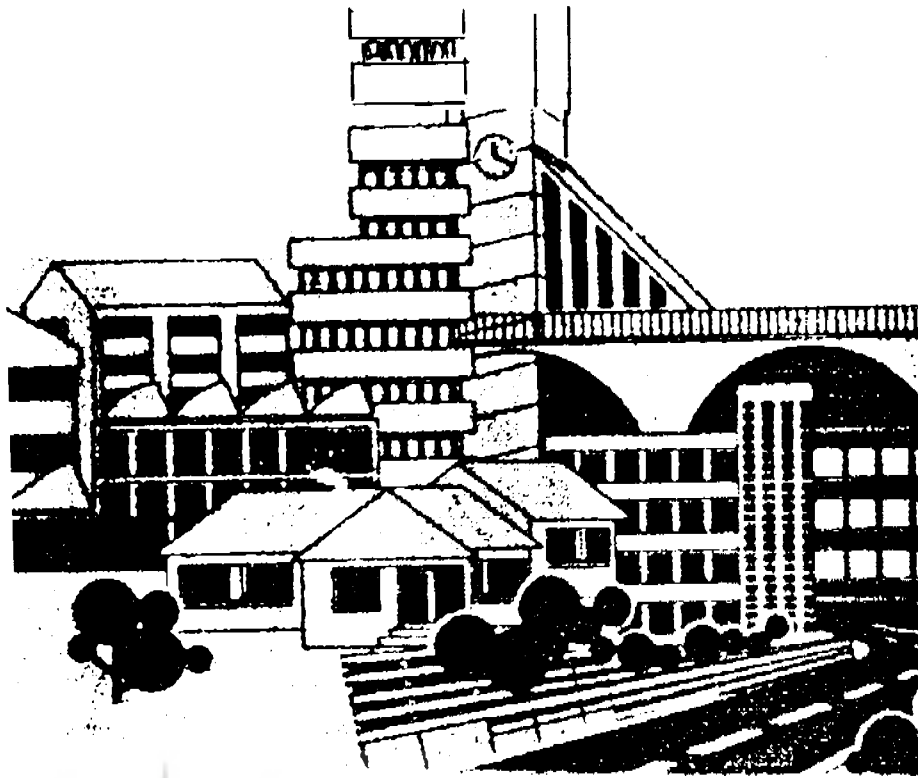
۲- حفظ و مراقبت از مصالح عمومی مردم

۳- استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود و جلوگیری از هدر رفتن آن‌ها.

۴- تامین رفاه نسبی برای ساکنین.

بدیهی است که هر یک از این مقاصد برنامه‌های بلندمدت و کوتاه مدت خاص خود را می‌طلبد. اما در خصوص مسکن مانند بسیاری از برنامه‌های دیگر اعتقاد عمومی را می‌طلبد و این اعتقاد محدود به قشر خاصی نیست بلکه مسئولین دستگاهها هم بدان باید معتقد باشند. اگر قرار باشد شهرداری صرفاً در جهت رفع مشکلات خود بیندیشد. بانک‌ها برای مشارکت در اینکار فقط برای تامین سود





بخش خصوصی، چون نه برای رفع نیاز خود بلکه صرفاً جهت تامین سود انبوه‌سازی می‌کند، جلب توجه و استقبال او مشروط به داغ بودن بازار خرید و فروش مسکن و اطمینان کاری از سود و انتفاع مبادرت به این امر است در حالی که مصرف کار چندانی به داغ بودن بازار ندارد. بلکه بمحض تحریک تقاضا و تحصیل منابع مالی موردنیاز در صد رفع این نیاز بر می‌آید و حتی کاهش رونق بازار مسکن بدلیل افت قیمت‌ها به نفع او تمام می‌شود. ۸- اساساً تمامی این تلاش‌های مصروف در راه تامین مسکن این جهت را دارد که اقشار کم درآمد بتوانند مسکن موردنیاز خود را تهیه کنند. حال اگر هم این اقدامات و اعطای امکانات و تسهیلات نتواند تاثیری در کاهش بلکه حداقل در ثابت نگهداشتن قیمت‌ها اثر بگذارد، پس از این همه، نتوانسته‌ایم حرف تازه‌ای برای حل مشکل مسکن بگوییم. زیرا در شرایط فعلی، آنقدر نمی‌توانیم زیاد تولید کنیم تا قیمت بازار را بشکنند.

با توجه به این توضیحات: بدلیل آنکه مصرف‌کننده در قبال تشکیل تعاونی در ساخت مسکن خود احساس مسئولیت می‌کنند، بدلیل انبوه‌سازی مجبور است ضوابط شهرسازی و ایمن‌سازی را رعایت کند، چون عرضه ارزان‌تر، هر چند محدود در قیمت یا تحریک تقاضا در بازار و بین دیگر متقاضیان تاثیر می‌گذارد و بدلیل دیگری که قبلاً مورد بحث قرار گرفت این نتیجه حاصل می‌شود که نتایجی که دیگر کشورها در زمینه تعاون بدست آورده‌اند و هم‌چنین نظریات اندیشمندان داخلی در مورد استحقاق این بخش برای رفع مشکل مسکن قابل توجه و تدارک است.

برای پایین نگه داشتن قیمت تمام شده واحدها و حفظ منافع خود معمول می‌دارد، از کیفیت ایده‌آل کار می‌کاهد. ۲- مشغله اداری زیادی را برای دولت از حیث نظارت‌ها و پشتیبانی این فعالیت‌ها ایجاد می‌کنند. ۳- مصرف‌کننده موظف است سودی را پرداخت کند که می‌تواند در شرایط عادی پرداخت نکند. ۴- حمایت‌های دولتی که قاعدتاً باید در خدمت اقشار نیازمند جامعه باشد، در مسیر واقعی خود بکار گرفته نشده و در اینجا این حمایت‌ها به صورت مضاعف یکبار برای تولیدکننده و یکبار برای مصرف‌کننده ضرورت پیدا می‌کند. ۵- سهم مصرف‌کننده (غیر از وام بانکی) یک جا باید پرداخت گردد. حال آنکه بسیاری از متقاضیان توان پرداخت یک جا وجه را ندارند. ۶- در قبال پس‌انداز، دلگرمی و یقین وجود ندارد که بر اثر افزایش قیمت‌ها یا تغییر ضوابط با همین بضاعت بتواند صاحب مسکن شود. ۷- جلب توجه تولیدکننده انبوه

چاره‌اندیشی نمایند و وزارت مسکن و شهرسازی ... و وزارت تعاون یک جانبه از ... دفاع کند، نتیجه مطلوبی بدست نخواهد آمد. بلکه هر یک از این دست‌اندرکاران با اعتقادی مشترک بایستی مشکلات یکدیگر را تعدیل کنند و در شرایط واحد متفق‌القولی توافق کنند و همه خود را مقید به تحقق آن شرایط بدانند.

ج - تولیدکننده انتفاعی بخش مسکن - این تولیدکنندگان عملاً بدلیل امکاناتی که در اختیار دارند با سرعت بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها توان ساخت و ساز دارند و در واقع اهداف دولت در امر مسکن از جمله ۱- جذب سرمایه‌های سرگردان و هدایت آن به جانب تولید ۲- استفاده از نیروهای متخصص ۳- سرعت عمل در ساخت و ساز و سایر انتظارات را بخوبی برآورده می‌کنند. اما بدلیل زیراین گروه نیز همه اهداف دولت را نمی‌توانند تامین نمایند: ۱- صرفه‌جویی‌هایی که سازنده

# تربیت و بهسازی نیروی انسانی:

## چند دیدگاه اساسی

نویسنده: لورن کورنر<sup>۱</sup>

ترجمه و اقتباس: دکتر غلامعلی سرمد

در خصوص تربیت (پرورش) و بهسازی نیروی انسانی می‌توان از ابعاد مختلف سخن گفت، یا به عبارت دیگر این پدیده را از زوایای متعدد مورد بررسی قرار داد. در این مقاله به تعدادی از این ابعاد اشاره می‌کنیم.

### الف: اقتصاد سیاسی و تربیت نیروی انسانی

هرچند اقتصاددانان نئوکلاسیک نقش عوامل سیاسی و دیگر عوامل غیراقتصادی را در توسعه جدی تلقی نمی‌کنند، اما علم اقتصاد از آغاز متوجه این نکته بوده که فعالیتهای اقتصادی در ساختارهای مشخص جریان پیدا می‌کند و لازم است کشورهای در حال توسعه به این موضوع التفات داشته باشند و در سیاستهای تربیت نیروی انسانی آن را مورد توجه قرار دهند.

لازم به یادآوری است که چپ‌گرایان اهمیت مسایل سیاسی را در اقتصاد بسیار بیش از آنچه هست یا باید باشد، نشان می‌دهند و بر این باورند که تقریباً تمامی حکومتهای کشورهای در حال توسعه سعی دارند مردم را در وضع موجود<sup>۲</sup> نگاه دارند. دلایل چپ‌گرایان برای این دیدگاه متعدد است، اما

خلاصه آن را می‌توان چنین مطرح کرد: حکومتهای یاد شده روشن‌زایی و تحول فکری مردم را برای ادامه سروری خود زیان‌آور می‌بینند و به همین دلیل، علیرغم میل شدید به افزایش تولید و خدمات در داخل کشور حاضر نیستند موجبات تربیت و بهسازی نیروهای انسانی را فراهم سازند.

اما واقعیت این است که در آخرین سالهای قرن بیستم نمی‌توان این دیدگاه را پذیرفت، بلکه شواهد نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر «تغییر سیاست» و «تغییر استراتژی» پی‌درپی جای حفظ وضع موجود را گرفته است. به تعبیر دیگر، حکومتهای مورد بحث پذیرفته‌اند که هرگاه حفظ وضع موجود را به عنوان خط مشی مسلط برگزینند، هیچوقت به رشد و توسعه لازم نخواهند رسید. با اینحال، چون هنوز هم در این کشورها ملاحظات سیاسی در برنامه‌ریزیهای تربیتی و اقتصادی تأثیری تعیین کننده دارد، دچار مشکلات کنونی هستند، حال آنکه کشورهای پیشرفته صنعتی سالها قبل از سد این مشکلات گذشته‌اند.

اگر از یک زاویه دیگر به مسأله اقتصاد سیاسی و تأثیر آن در برنامه‌های بهسازی نیروی انسانی نگاه کنیم، به اینجا می‌رسیم که قدرت سیاسی افراد کم بضاعت یا فقیر اندک است. در نتیجه این قبیل افراد در برنامه‌ریزیها نفوذ چندانی ندارند یا اصلاً نفوذ ندارند.

بنابراین، نداشتن قدرت سیاسی به صورت علت و معلول دور بودن فقرا از برنامه‌های عمرانی و بهسازی درمی‌آید و زیان آن مستقیماً به حکومتهای کشورهای جهان سوم بازمی‌گردد.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که یکی از پیش شرطهای بهسازی نیروی انسانی به صورت موفقیت‌آمیز، دادن فرصتهای زیادتر سیاسی به گروههای کم درآمد است، هرچند اکثر حکومتهای کشورهای در حال توسعه حاضر نیستند به این مسأله بیندیشند یا به صورت جدی آن را اجرا کنند. اینها تصور می‌کنند توسعه و بهسازی در خلاء انجام می‌شود، در حالی که چنین تصوراتی آنها را همچنان در گروه کشورهای عقب‌مانده یا حداکثر در حال توسعه خواهد کرد.

### ب: بهسازی نیروی انسانی و برنامه‌ریزی نیروی انسانی:

از جمله سؤالیهای مهمی که در قلمرو آموزش و پرورش مطرح می‌شود، یکی این است که: منابع تربیتی را چگونه باید (یا می‌توان) بین سطوح مختلف تحصیلی تقسیم کرد؟ این سؤال به نوبه خود به سؤال دیگری به این شرح ارتباط پیدا می‌کند: نقش آموزش و پرورش در افزایش عملکرد چقدر است؟ برای پاسخ گفتن به سؤال اخیر معمولاً از

شده است. حاصل این بررسیها آن است که کارآیی آموزشهای ضمن خدمت از مدارس فنی و حرفه‌ای زیادتر است. از جمله دلایل احتمالی این امر، آن است که معمولاً مدارس فنی و حرفه‌ای از نظر حیثیت اجتماعی در سطح پایین قرار دارد و اکثر شاگردان آن از رفتن به این مدارس احساس ضعف و شرمندگی می‌کنند. بدون تردید، اگر در جایی این حکم اثبات شود، لازم است دولت درباره پذیرش شاگرد برای مدارس فنی و حرفه‌ای تجدید نظر کند تا بودجه‌ای که در این راه صرف می‌شود، از نظر اقتصادی سودآور باشد.

۵. در برخی از کشورهای در حال توسعه استخدام فارغ‌التحصیلان دوره‌های متوسطه الگوی مناسبی ندارد. یعنی در حالی که اکثر این کشورها چهار یا پنج نوع آموزش متوسطه دارند، اما چون فارغ‌التحصیلان دوره‌های نظری (علوم انسانی و هنر) ادعای کمتری دارند و با حقوق و مزایای کمتر استخدام می‌شوند، معمولاً این تمایل وجود دارد که در بخش دولتی این قبیل افراد را استخدام کنند.

برعکس، بخش خصوصی به استخدام کسانی که دوره‌های حرفه‌ای (مثل هنرستانها) را گذرانده‌اند، تمایل زیادتری نشان می‌دهد. زیرا در این بخش کیفیت کار انجام شده مهم است، چرا که ادامه حیات بخش خصوصی بر رقابت کمتی و کیفی استوار است، در حالی که در بخش دولتی بیش از هر چیز حفظ وضع موجود مطرح است.

چنانچه مطالب فوق صحت داشته باشد، لازم است کشورهایی که با چنین پدیده‌ای مواجه هستند، برنامه‌های دوره متوسطه را طوری طراحی کنند که پاسخگوی هر دو نوع نیاز بازار کار باشد، هر چند اصلاح ساختاری



آموزش ابتدایی به قیمت کم توجهی به آموزش متوسطه و عالی تمام شود، نفع چندانی از آن عاید جامعه (و حتی افراد) نمی‌شود. برای مثال، آموزش ابتدایی نیروی انسانی ماهر یا متخصص تربیت نمی‌کند.

۳. اکثر کشورهای در حال توسعه به نیروی انسانی ماهر و حرفه‌ای نیاز دارند، و تربیت چنین افرادی از عهده مدارس ابتدایی و متوسطه ساخته نیست. حتی تعداد زیادی از بررسیهای اخیر کارآیی آموزشهای یادشده را مورد سؤال قرار داده و آن را تأیید نکرده است. بنابراین، پیشنهاد شده که برای رفع مسأله، دوره‌های شبانه رسمی یا غیر رسمی در سطح عالی نیز عملی است، هر چند ممکن است هزینه‌های آن زیادتر و دولت مجبور باشد در آن سرمایه‌گذاری کند.

۴. در دهه‌های اخیر بررسیهایی درباره مدارس فنی و حرفه‌ای به عمل آمده و کارآیی آن با دوره‌های آموزش ضمن خدمات مقایسه

نظریه «بازده نیروی انسانی» استفاده می‌شود، اما در عمل منابع تربیتی بین سطوح ابتدایی تا عالی به نسبت منطقی توزیع نمی‌شود. شاید بتوان ضعف تصمیم‌گیری در رده‌های بالای جامعه و رابطه سست تحصیل دبیرستانی را با نیاز بازار کار از جمله دلایل اساسی این امر دانست.

در خصوص قایل شدن اولویت در تخصیص منابع آموزشی به سطوح مختلف تحصیلی نکات زیر قابل ملاحظه است:

۱. مطالعات مرتبط با نرخ بازده به طور کلی (و نه حتماً) نشان می‌دهد که تحصیلات ابتدایی بیشترین بازده شخصی را دارد. همچنین، این نوع تحصیلات منافع اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارد، زیرا هم در افزایش دید و نگرش و شناخت انسان، و هم در خودشناسی او تأثیر دارد.

۲. گزارش سال ۱۹۸۰ توسعه جهانی<sup>۳</sup> (ص ۴۹) حاکی از آن است که اگر توجه به

کارهای بخش دولتی نیز یک ضرورت است. یکی از پیامدهای هر نوع تعلیم و تربیت، رشد شناختی افرادی است که در نظام آموزشی تحصیل می‌کنند. به بیان دیگر، از جمله امتیازات تحصیل، رشد شناختی بهتر است در صورتی که یسواد یا کم سواد به طور معمول مترادف با شناخت کمتر یا محدودتر است.

این نکته‌ای است که خوشبختانه در سالهای اخیر در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته، هرچند هنوز هم محتوای برنامه‌های درسی به گونه‌ای نیست که بتواند صددرصد پاسخگوی نیاز یاد شده باشد. بنابراین، آموزشهای عمومی و مرتبط با افزایش شناخت به شرطی مقرون به صرفه و اقتصادی است که واقعاً در رشد شناختی افراد مؤثر باشد. در غیر این صورت، برنامه‌ریزیهای تربیت نیروی انسانی با شکست مواجه خواهد شد.

۷. آموزش و پرورش باید در خدمت تمامی افراد جامعه باشد تا همه را به آدمهای مولد تبدیل کند. متأسفانه در کشورهای در حال توسعه هم عده‌ای از زنان برای اشتغال در بازار کار به آموزش و پرورش دسترسی ندارند، و هم تعلیماتی نمی‌بینند تا در امور خانگی مددکار آنها باشد. به عبارت دیگر، اگر برای آموزش و پرورش زنان دو هدف اشتغال در بازار کار و مشرثر بودن در محیط خانه را در نظر بگیریم، لازم است مؤسسات مسئول تربیت و بهسازی نیروی انسانی به هر دو بعد این قضیه توجه نمایند. بویژه، شایسته است بعد دوم از توجه خاصی برخوردار گردد، زیرا زنان تحصیلکرده می‌توانند در خانه نقشهای بسیار مثبتی ایفا کنند که تنها یکی از آنها تربیت فرزندان شایسته و کمک به

تحصیل آنها است. بی‌شک، فرزند شایسته هم بهتر کار و تحصیل و زندگی می‌کند، و هم می‌تواند در آینده به نیروی انسانی شایسته‌تری برای جامعه فردا تبدیل گردد.

دیگر بعد مهم تربیت زنان، آشنایی آنها با مسایلی نظیر ژنتیک و تولید مثل است. بی‌تردید، هرچه زنان - و البته مردان نیز - از این مسایل آگاهی زیادتری داشته باشند، برنامه‌های تنظیم خانواده یا تلاش برای داشتن فرزند کمتر، مسایل بهداشتی و درمانی دوران بارداری و شیردهی، و دهها مسأله مشابه به شیوه‌ای سودمندتر و مؤثرتر اجرا خواهد شد.

۸. به طوری که میدانیم، در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی عامل اساسی و تعیین کننده نیاز به نیروی انسانی، رابطه داده - ستانده<sup>۴</sup> یا به تعبیر دیگر پیروی از اصل تقاضا و عرضه است. یعنی هم بخش دولتی و هم خصوصی بیش از هر چیز به سودآوری فعالیتها و وجود بازار برای آن می‌اندیشد.

خوشبختانه در اکثر کشورهای در حال توسعه هنوز این روحیه رواج پیدا نکرده، و تکنولوژی نیز آن قدرها گسترش نیافته تا سرمایه‌گذاریهایی کارگر طلب<sup>۵</sup> را از صحنه خارج کند و به سرمایه طلب<sup>۶</sup> تبدیل نماید. از این رو، می‌توان امیدوار بود که کشورهای اخیر ضمن التفات به توسعه تکنولوژی و تلاش در جهت تولید کالاهای مورد نیاز بازار، مسایل انسانی توسعه تکنولوژی را از نظر دور نمی‌دارند. همچنین، شایسته است در تربیت نیروهای انسانی از تبدیل انسان به «پیچ و مهره» که ویژگی برخی از جوامع «تکنیک‌زده» محسوب می‌شود، اجتناب نمایند.

در تأیید نکته اخیر می‌توان به تحقیق سال ۱۹۸۴ سازمان بین‌المللی کار اشاره کرد.<sup>۷</sup> در این تحقیق تلاشهای جاری تعدادی از جوامع

برای تربیت نیروی انسانی سؤال برانگیز توصیف شده و چنین هشدار داده که لازم است برنامه‌ریزی نیروی انسانی بیش از پیش با واقع‌بینی توأم گردد. یکی از ابعاد این واقع‌بینی به ظرفیت بازار کار برای جذب نیرویهای تحصیلکرده است. به همین دلیل، در گزارش یاد شده تأکید کرده‌اند که تعیین اهداف آرمانی برای آموزش و پرورش نه چاره ساز است و نه ضرورت دارد، بلکه باید برنامه ریزیها براساس واقعیات امروز و نیاز فردا تدوین گردد تا اهداف از حالت آرمانی تخیلی به آرمانی شدن (قابل اجرا) تبدیل گردد.

۹. و بالاخره باید از ضرورت همپایی برنامه‌ریزی نیروی انسانی با دیگر برنامه‌ریزیهای اجتماعی - اقتصادی هر کشور یا منطقه نام برد. مخصوصاً در جاهایی که دولت مرکزی بخشی از برنامه‌ریزی را به مناطق یا استانهای کشور تفویض کرده، این موضوع اهمیت زیادتری دارد. دلیل تأکید اخیر، آن است که هرگاه در هر بخش یا منطقه یا استان نیروهای انسانی با سایر فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی توازن نداشته باشند، مهاجرت از آنجا به خارج، یا از خارج به آنجا، مشکلات متعددی را به بار می‌آورد که حاصل قسمتی از تلاشهای مرتبط با تربیت و بهسازی نیروی انسانی را بر باد می‌دهد.

**ج: رابطه بهسازی نیروی انسانی با بهداشت و تغذیه**

بهداشت و تغذیه را می‌توان به یک تعبیر خاص «قدرت خرید» تعریف کرد، زیرا با درآمد مردم، نرخ کالاها و خدمات، محیط مسکونی، دانش و آگاهی بستگی دارد و تمامی این عوامل به سهم خود نوعی عامل «قدرت» و مآلاً «قدرت خرید» محسوب می‌شود. در

واقع، بررسیهای متعددی که در زمینه برنامه‌ریزی بهداشت و نقش آن در اقتصاد انجام شده، بیشتر از بعد تولید کالا و خدمات و آنچه دولت می‌تواند به شهروندان عرضه دارد (مثل امکانات بهداشتی و درمانی) به قضیه نگرسته هرچند این امور نیز به سهم خود حائز اهمیت است. در عین حال، باید دانست که بهداشت از بعد فردی و «فی‌نفسه»<sup>۸</sup> نیز امری قابل ملاحظه و جالب توجه است، اگرچه برای پیدا کردن رابطه آن با اقتصاد باید اندکی تأمل کرد.

از سوی دیگر، می‌توان نیروهای انسانی را به گونه‌ای تربیت کرد که هم خود بهداشت را رعایت کنند و هم به صورت بالقوه و بالفعل مددکار جامعه در تدوین و اجرای برنامه‌های بهداشتی باشند. این نوع آموزشها موجب تقلیل ضایعات نیروی انسانی شده، برنامه‌ریزی صحیح را از خانواده گرفته تا جامعه بزرگ تسهیل می‌کند. این حکم کلی در مورد انواع بیماری صدق می‌کند، اگرچه درباره بیماریهای همه‌گیر (واگیردار) بیشتر صادق است، زیرا این نوع بیماریها عده زیادی از انسانها را تهدید می‌کنند.

از طرف دیگر، بررسیهای سازمان جهانی بهداشت و یونسف نشان می‌دهد که بهسازی نیروی انسانی با توجه به نکات زیر با بهداشت ارتباط دارد:

۱. مواد غذایی مورد مصرف انسانها اعم از اینکه ابعاد کمی یا کیفی آن مورد نظر باشد.
۲. سالم بودن آب آشامیدنی.
۳. رعایت بهداشت عمومی و بهداشت محیط توسط شهروندان.
۴. برخورداری شهروندان از مقادیر ضروری تعلیم و تربیت برای رعایت اصول بهداشتی.



۲. فراهم کردن امکان اشتغال برای نیروهای انسانی جوان و میانسال به منظور این که بتوانند با درآمد زیادتر امکانات بهزیستی خود را فراهم سازند.

۳. دخالت در سبک تغذیه یا روشهای سنتی تغذیه و ایجاد تنوع هرچه بیشتر در آن تا رفته رفته مردم از لاک به دور خود چرخیدن آزاد شوند و تنوع غذایی در تقویت جسمی و ذهنی آنان تحولات چشمگیر ایجاد نماید.

۴. التفات هرچه بیشتر به تغذیه گروههای آسیب‌پذیر نظیر کودکان خردسال، مادران باردار و مادران دارای کودکان شیرخوار تا بتوان از ابتدای نوجوانان، جوانان و بزرگسالان آینده (یعنی نیروهای انسانی و مولد آینده جامعه) جلوگیری کرد. طبعاً این روش جنبه غیرمستقیم دارد و نتایج آن نیز دهها سال بعد ظاهر می‌شود، هرچند اهمیت آن برکسی پوشیده نیست.

۵. و بالاخره گنجاندن روشها و برنامه‌های بهداشتی در دروس دوره‌های آموزشی بزرگسالان (نظیر نهضت سوادآموزی در ایران) تا به بهانه سوادآموزی بتوان بزرگسالان را با این روشها و فنون آشنا کرد. بی‌تردید، چون این افراد به نوبه خود پدر، مادر، برادر بزرگ یا خواهر بزرگ هستند، می‌توانند در نسل کوچکتر تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند.

- 1- Lorain Corner
- 2- Status Quo
- 3- World Development Report, 1980
- 4- Input - Output
- 5- Labour - in - tensive
- 6- Capital - intensive
- 7- ILO Review, reported by Richter, 1984.
- 8- In itself

۵. وجود عده‌ای مددکار اجتماعی در هر منطقه یا شهر یا استان برای کمک به امدادجویان.

۶. کمک سازمانهای بین‌المللی به نقاطی که امکانات آنها از لحاظ نکات یاد شده در شماره‌های ۱ تا ۵ اندک است.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان ابعاد مختلف تغذیه و بهداشت و رابطه آن را با بهسازی نیروی انسانی به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. تغییر دادن شرایط فقر غذایی (اعم از فقر کمی و کیفی) در نقاط مبتلا به این پدیده از طریق برنامه‌هایی که یا مستقیماً و رأساً توسط اشخاص انجام می‌شود، یا سازمانهای ویژه آن را اجرا می‌کنند.

روستایی کمک شود. به فقر شهری نیز بایستی با اقداماتی پرداخته شود که ترویج تعاونی‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

### ارتباط نگاه تعاونی با محو فقر

بنگاههای تعاونی مستقیم و غیرمستقیم به محو فقر در میان اعضاء و کارکنان، و از آن گسترده‌تر، در حوزه‌های فعالیت خود، کمک می‌کنند. آنها فقرا را یاری می‌دهند تا با خودیاری از فقر برهند و از آنهایی که در خطر فقیر شدن هستند محافظت می‌کنند. این قبیله موسسات غالباً تنها نوع سازمان رسمی است که با خودیاری مشترک چنین فرصتهایی را عرضه می‌کنند.

### درآمد حاصله از اشتغال

یادداشت شماره ۳ اتحادیه بین‌المللی تعاون به مناسبت روز بین‌المللی تعاون انواع مختلف اشتغال من جمله خود اشتغالی را تعریف می‌کند که از انواع مختلف بنگاههای تعاونی حاصل می‌شود. هر کدام از آنها بسته به نوع تعاونی پایه‌ای است برای کسب درآمد به شکل سهم مازاد، مزد و حقوق یا سود.

### تهیه کالاها و خدمات مناسب برای خانوارها

هزینه‌های اولیه زندگی می‌تواند چنان سهم عمده‌ای از درآمد را ببلعد که مقداری ناچیز یا نزدیک به صفر را جهت توسعه کارآفرینی، آموزش، پرورش و بهداشت باقی بگذارد. تعاونی‌ها قادرند چنین هزینه‌هایی را کاهش دهند و در عین حال عرضه کافی کالاها و خدمات مناسب و اعلی را تضمین کنند. خرید کلی، هزینه‌های محدود تبلیغات و توجه به تعداد محدودی کالا عرضه کافی ملزومات اولیه را برای اشخاص کم درآمد تضمین می‌کند.



## تعاونی‌ها و محو فقر سازمان ملل و تعاونی‌ها

نقل از گزارش: دفتر بین‌المللی کار مترجم: سیدجواد سیدصالحی

این نشست پیشنهاد می‌کند که بایستی فرصت‌های ایجاد درآمد، تنوع فعالیت‌ها و افزایش بهره‌وری در جوامع کم درآمد و فقیر با اقداماتی چند افزون گردد. این فرصت‌ها عبارت است از تقویت همکاری بین انواع مختلف موسسات منجمله تعاونی‌ها با هدف بسیج پسرانندازهای محلی، ترویج (برپایی) شبکه‌های مالی محلی و افزایش دسترسی کار آفرینان کوچک، کشاورزان کوچک و دیگر کارگران خود اشتغال کم درآمد به اعتبار و اطلاعات مربوط به بازار همراه با تلاش مخصوص در جهت تضمین دسترسی زنان به این گونه خدمات. دومین حوزه عمل، تقویت سازمانهاست منجمله تعاونی‌های محلی و کارگری و به خصوص آنهایی را که زنان اداره می‌کنند، تا به افزایش بهره‌وری، فروش و مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرای توسعه

دیر کل پیشین سازمان ملل طی گزارشی به مجمع عمومی درباره تعاونی‌ها (سند شماره ۱۹۹۴/۴۹/۲۱۳ / آسورخ اول ژوئیه ۱۹۹۴) نتیجه گرفت که «بنگاههای تعاونی ابزارهای سازمانی فراهم می‌آورند که بدان وسیله بخش عظیمی از بشریت قادر است وظایف ایجاد اشتغال، مولد، مقابله با فقر و نیل به یکپارچگی اجتماعی را در دست خود بگیرد.» او گزارش داد که تعاونیها همچنان ابزار مهم، و گاهی تنها ابزار موجود است که بدان وسیله فقرا و ایضاً آنها که وضعشان بهتر است ولی مدام در خطر فقیر شدن هستند، قادرند به امنیت اقتصادی و سطح و کیفیت قابل قبول زندگی دست یابند.» نشست سران کشورها در سال ۹۴ در اعلامیه‌ای خود را به بهره‌برداری و توسعه کامل امکانات و کمک‌های تعاونی برای محو فقر متعهد نموده است. فصل دوم برنامه عمل

بنگاههای تعاونی در حفاظت از منافع مصرف‌کنندگان موثرند چون اعضاء (صاحبان) آنها خودشان هدف‌ها و عملکردها را تعیین می‌کنند. به همین دلیل پیش‌آهنگ و ارائه عملکردهایی بوده‌اند که نشان دهنده واکتس مصرف‌کنندگان بوده است، مثل قیمت‌گذاری واحد و تبلیغ بی‌دروغ، برخی تعاونی‌های مصرف موسسات تبلیغاتی خاص خود را بنا نهاده‌اند که عملکردها باستانی با قوانین اخلاقی همخوان باشد این تعاونیها به خاطر توان اقتصادیشان قادرند مستقیماً و مؤثراً اقدام نمایند و منجمه بر کیفیت کالاهای عرضه شده تاکید کنند. این کار غالباً با خرید انحصاری از تعاونی‌های تولید تامین می‌شود.

**مدیریت مؤثر امور مالی خانوار و****بنگاه**

تعاونی‌های مالی برای فقرا و به ویژه زنان ارزش ویژه‌ای دارد. این موسسات در مناطقی عمل می‌کنند که خدمات بانکهای بازرگانی و برنامه‌های اعتباری بخش عمومی کافی نیست. تعاونی‌های پس‌انداز و اعتبار (اتحادیه‌های اعتبار) و بانکهای تعاونی غالباً تنها منبع مطمئن سپرده‌های پس‌انداز را تشکیل می‌دهند، هر چند این سپرده‌ها اندک باشد. این قبیل موسسات ابزار مناسب برای تمرکز و گردش مجدد سرمایه محلی را با اعطای اعتبار برای استفاده‌های کسار آفرینی و بهبود وضعیت اقتصادی خانوار فراهم می‌آورند. به علاوه از آنجا که این تعاونی‌ها متعلق به اعضا می‌باشد هزینه‌ها در پایین‌ترین سطوح می‌ماند و خدمات و عملکردها با نیازها و اوضاع مالی آنها تطابق می‌یابد. این تعاونی‌ها به فقرا امکان می‌دهند از سلطه رباخواران خصوصی رهایی

یابند. در اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه مبتنی بر بازار دولتها از توسعه تعاونی‌های مالی در مناطق فقیرنشین پشتیبانی می‌کنند و ظرفیت منحصر به فرد اینگونه موسسات را برای بسیج سرمایه و سرمایه‌گذاری در خور تصدیق می‌کنند.

**حمایت مؤثر در برابر خطرات مالی و غیرمالی**

بنگاههای بیمه تعاونی برای اعضاء و خانوارهای عضو خط‌مشی‌های قابل تحمل، غیراستثماری و مناسب تعیین می‌کنند. این خط‌مشی‌ها با نیازهای خاص زنان و دیگر بخشهای جامعه مطابق است این خط‌مشی‌ها همچنین از تعاونی‌ها و دیگر بنگاههای کوچک و متوسط محافظت می‌کند و آنها را قادر می‌سازد که بر معیارهای عمومی و عملکردهای بخش خود نفوذ داشته باشند. هزینه‌ها در سطحی مناسب حفظ می‌شود و اینکار نه تنها با عملکرد کارآمد و پرهیز از تبذیر بلکه با اولویت‌والای پیشگیری از شکست این موسسات صورت می‌پذیرد.

**عرضه شرایط زندگی قابل قبول****برای توسعه منابع انسانی**

بنگاههای تعاونی که در مالکیت استفاده‌کنندگان آن است کمک مهمی به غلبه بر شرایطی می‌کند که موجب فقر مزمن در بخش مسکن، سوخت، برق، آب، بهداشت محیط، خدمات زیربنایی و ضروری، به خصوص در مناطق روستایی و مراکز شهرها است که درصد قابل ملاحظه فقرا در آنجا زندگی می‌کنند. نمونه‌های این قبیل تعاونی‌ها، تعاونی‌های ساخت و نگهداری مسکن (که غالباً تسهیلاتی برای خانوارهای کم درآمد کنار فراهم می‌کنند)، تعاونی‌های تولیدی برق، حرارتی، مخابراتی، آب و بهداشت محیط، تعاونی‌های توسعه منطقه‌ای و تعاونی‌های مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی است.

حاصل فعالیت این تعاونی‌ها آزاد شدن وقت و نیروی محرومین است به گونه‌ای که قادر خواهند بود به آموزش و پرورش پردازند، خواهان و حافظ مشاغل باشند، به فعالیت‌های کار آفرینانه دست زنند و در توسعه اقتصادی شرکت کنند.

**تامین آموزش و پرورش توسعه****منابع انسانی**

تامین آموزش و پرورش اعضاء، مدیران و کارکنان اصلی اساسی در یک سازمان تعاونی است. در مواقعی که اعضاء فقیرند این امر معمولاً به تامین آموزش اولیه، سواد، شیوه‌های کسب درآمد آموزش فنی و حرفه‌ای در حوزه‌های فعالیت تعاونی گسترش می‌یابد.

**توسعه جامع محلی و منطقه‌ای****برای محو فقر**

گروهها و نهضت‌های تعاونی در بسیاری



## تعاونی‌ها و یکپارچگی اجتماعی سازمان ملل و نهضت تعاونی

همانگونه که در مقاله پیشین اشاره شد دبیرکل اسبق سازمان ملل در گزارشی به مجمع عمومی درباره تعاونی‌ها (سند ۲۱۳/۴۹ / آ مورخ اول روئیه ۱۹۹۴) چنین نتیجه‌گیری کرد که «بنگاههای تعاونی ابزار سازمانی فراهم می‌آورند که بدان وسیله بخش قابل ملاحظه‌ای از بشریت قادر است کارهای ایجاد اشتغال مولد، غلبه بر فقر و نیل به یکپارچگی اجتماعی را در دست‌های خود بگیرد».

کمک مهم و امکانات همه انواع تعاونی‌ها در تهیه مقدمات و پی‌گیری اجلاس «سران جهان» در قطعنامه ۴۹/۱۵۵ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴ مجمع عمومی به رسمیت شناخته شد که در آن سران خود را به بهره‌برداری و توسعه کامل امکانات و کمک تعاونی‌ها در تقویت یکپارچگی اجتماعی متعهد می‌کنند. به ویژه فصل چهارم «برنامه عمل» پیشنهاد می‌کند که دولتها برابری و عدالت اجتماعی را با اقداماتی ترویج کنند که تشویق به تشکیل آزادانه تعاونی‌ها را دربر گیرد. در فصل پنجم خاطر نشان می‌شود که کمک جامعه مدنی به توسعه اجتماعی از طریق توسعه تعاونی‌ها بایستی تشویق و تسهیل گردد.

### تعاونی‌ها وسیله یکپارچگی اجتماعی را برای محرومین فراهم می‌کنند

کمک تعاونی‌ها به ایجاد و حفظ اشتغال مولد و محو فقر همچنان یک وسیله اصلی است که با آن میلیون‌ها نفر به نحوی موثرتر به جامعه می‌پیوندند. در این شیوه نه تنها برای اشخاص شرایط مادی و شالوده اقتصادی لازم برای مشارکت برابر تامین می‌شود، بلکه قادرند عزت نفس و منزلت کسب کرده و از شرایطی که به باور جامعه محیطی منفی شناخته شده است به شرایط مثبت برسند. بدین ترتیب به عنوان دست‌اندرکاران اقتصاد محلی شناخته می‌شوند و دیگر باری بر دوش منابع و یا عامل تنش اجتماعی به حساب نمی‌آیند.

این قدرت اقتصادی به ویژه برای اشخاصی اهمیت دارد که نه تنها دچار بیکاری و فقر بلکه استثمار و تبعیض به علت ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، جنس، سن یا از کارافتادگی هستند. برای آنها تعاونی‌ها اغلب تنها شکل سازمانی است که می‌تواند مفری از فقر، نیل به موقعیت اقتصادی ایمن‌تر یا پرهیز از فقر باشد.

علت این امر آن است که بنگاه تعاونی

می‌تواند به وسیله هر گروهی به وجود آید که داوطلبانه جمع شود تا نیازهای اقتصادی و اجتماعی را با بنگاهی رفع کند که مشترکاً مال همه بوده و به نحو دموکراتیک اداره می‌شود. این بنگاهها می‌تواند توسط اشخاصی تاسیس و با موفقیت اداره گردد که به نحوی دیگر محرومند: بومیان مناطق دور روستایی، کشاورزان روستایی، آوارگان داخلی و خارجی، مهاجران تازه به مراکز شهرها، بیکاران، زنان، سالخوردهگان و معلولان جسمی و ذهنی. تعاونی‌ها و اعضاء آنها همچنین یک شبکه حمایتی را در سطح محلی، ملی و بین‌المللی تشکیل می‌دهند. حتی وقتی اکثریت اعضاء تعاونی دیگر محروم به حساب نیایند، تصدیق خواهند کرد که سعادت کنونی آنها عمدتاً مدیون پدران یا اجداد محروم آنهاست که شکل تعاونی سازمان اقتصادی را برای گریز از فقر و تبعیض به کار بردند.

### تعاونی‌ها یکپارچگی اجتماعی را ترویج می‌کنند

بسیاری از محرومین می‌توانند با عضویت در بنگاههای تعاونی موجود که عملاً در اقتصاد ملی ادغام شده‌اند، راه یکپارچگی اجتماعی را شروع کنند. یکی از اصول بنیادی نهضت تعاونی این است که در بنگاههای آن به روی همه کسانی باز است که می‌توانند به فعالیت‌های آن کمک کرده و از آن بهره‌مند شوند بدون اینکه تبعیض سیاسی، جنسی و اجتماعی در کار باشد. هنگامی که اشخاص اینرا بپذیرند، حتی اگر اقلیت کوچکی را تشکیل دهند، ارزش‌ها و اصول شناخته شده توسط اعضاء موجود در اعمالی ظاهر می‌شود که متضمن یکپارچگی آنهاست. این امر ممکن است، چون اعضاء هدفهای اقتصادی را تعیین



می‌کنند که نه تنها می‌تواند شامل بازده اقتصادی بلکه ثبات محلی مبتنی بر یکپارچگی اجتماعی باشد.

بنابراین تعاونی‌های متعدد تولیدی، خدماتی متعلق به کارکنان مقدمات خاصی برای گسترش اعضاء به بیکاران، معلولان و مهاجران فراهم می‌آورد. بسیاری از تعاونی‌های مسکن اقدامات خاصی انجام می‌دهند تا ادغام کامل و مفید مهاجران و خانواده آنها، معلولان و سالخورده‌گان را تسهیل کنند. این سازمانها مرتباً برنامه‌هایی ترتیب می‌دهند تا با اتزوی جوانان مقابله کرده و برخی از آنها حتی با مسائل اجتماعی نظیر خشونت داخلی مبارزه کرده‌اند.

تعاونی‌های مصرف (کنندگان) نیز فعالیت خود را تا آنجا گسترش داده‌اند که به عنوان سازمانهای رفاهی و یکپارچگی محلی عمل می‌کنند. تعاونی‌های پس‌انداز و اعتبار همیشه به یاد دارند که خدمات خود را با نیازهای جوانان و سالخورده‌گان سازگار کنند. تعاونی‌های بیمه، خدمات خود را با نیازهای خاص زنان و اشخاص مسن سازگار می‌کنند.

نهضت‌های تعاونی منطقه‌ای و ملی کوششهای این بنگاهها را پشتیبانی می‌کنند. آنها اقدامات مثبت و ترویجی را برای اجرا در سرتاسر نهضت کارسازی کرده و با همکاری با دیگر سازمانهای نماینده از جانب آنها به سازمانهای دولتی و بین‌الدول فشار وارد می‌آورند.

**تعاونیها در بطن گوناگونی به هماهنگی نائل می‌شوند.**

بنگاههای تعاونی بر شیوه‌ها و ساختارهایی بنا شده است که هماهنگی را در میان دگرگونی‌ها ترویج می‌کند. اینها به طور

دموکراتیک اداره می‌شوند. مدیریت آنها نیازمند بحث آشکار، تصدیق آراء متفاوت و شناسایی منافع مشترک است. اینها محیط‌هایی فراهم می‌آورند که در آن مزایای نظیر از مباحثه و گفتگوهای متقابل و علنی، به عینه دیده می‌شود. به راستی که تعاونیها غالباً تنها مجامعی هستند که محرومین می‌توانند در آن آراء خود را ابراز کنند.

از این گذشته بنگاههای تعاونی به گروههای اقتصادی ملی و اتحادیه‌های نمایندگی و خدماتی تنوع و گسترش می‌بخشند. این امر افرادی را با زمینه‌های مختلف اجتماعی در اتحادیه‌ای واحد گرد می‌آورد که به هدفهای مشترک اقتصادی و اصول عملیاتی پایبند است که بر همکاری و هماهنگی تاکید دارد. برای تامین منافع بلندمدت اعضاء تعاونگران کار مصلحت‌آمیز با یکدیگر را حتی اگر ظاهراً هدفهای اقتصادی بالقوه متضاد باشد، با ارزش می‌یابد مثل همکاری تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان.

### تعاونی‌ها به عنوان مدارس دموکراسی

اصول و ارزشهای بنگاههای تعاون با آن سازمان می‌یابد محیطی فراهم می‌آورد که در آن بسیاری از اعضاء، برای اولین بار، قادرند مفهوم برابری در مقابل قانون را لمس کنند، حتی در حالتی که جور دیگری در جوامع محلی به طور کامل ادغام نشده باشند. تعاونی‌ها سازمانهایی دموکراتیک و شراکتی هستند و فعالانه توسط اعضاء اداره می‌شوند که دارای حق رای مساوی هستند.



بدین وسیله هر کدام فرصت اظهارنظر در انتخاب (اعضاء) هیات مدیره‌ای را دارند که از جانب اعضایی که بدانها بایستی گزارش دهند، مدیران تعاونی را انتخاب و بر عملیات بنگاه نظارت می‌کنند. اعضاء ضمن شرکت در تدوین خط‌مشی‌های اقتصادی در تشخیص گزینه‌های ممکن آشتی نقطه نظرات گوناگون و قبول مصالحه را یاد می‌گیرند آنها می‌توانند ببینند که شرافت، آزادمنشی و مسئولیت در هدایت و مدیریت لازمه مدیریت سنجیده و موثر امور عمومی است.

علاوه بر این، تجربه حاصله از درون تعاونی‌ها به مسئولیت‌های پذیرفته شده اعضاء در جوامع محلی اضافه می‌شود. در واقع اعضاء تعاونی‌ها، منجمله محرومین، نه تنها دارای علائق شدید بلکه ظرفیت‌های مبسوط، برای اداره امور اجتماعی هستند. این امر فرصت‌هایی برای مشارکت بیشتر در فرآیندهای سیاسی می‌گشاید. از این گذشته، اعضایی که از مزایای آزادمنشی و شرافت در مسئولان منتخب تعاونی آگاه شده‌اند بهتر قادرند مراقب رفتار مقامات و مسئولین کشور بوده و آنرا ارزیابی کنند.

تعاونی‌ها با کاربرد اصول تعاونی در ارائه آموزش دائم و متقابل برای اعضاء، مدیران و کارکنان خود به گونه‌ای که بتوانند به یکدیگر بیاموزند تا درک و اجرای نقش‌های خاص خود را ممکن سازند، آنها را برای مشارکت اجتماعی آماده می‌سازند. برنامه‌ها به مدیریت محدود نمی‌شود؛ تعاونی برسواد، حساب و آموزش فنی اعضاء تاکید فراوانی می‌کند. این امر غالباً موثرترین وسیله بهبود منزلت آموزشی، به خصوص برای آنهایی است که حاشیه‌نشینی آنها مانع کاربرد موثر نظامهای آموزشی عمومی است.

# تعاون از دیدگاه مبارها

به قلم: پال بارتوس

نقل از: بولتن اتحادیه بین‌المللی تعاون - شماره ۴-۱۹۹۶

مترجم: سیده مرجانه سلطانی

## تحولات تاریخی

در سال ۱۹۹۰ با برگزاری انتخابات عمومی آزاد، فصل جدیدی در تاریخ مجارستان آغاز شد. در این زمان با روی کار آمدن دولت مشروطه، قوانین متقنی نیز به همراه آمد. اما این فعل و انفعالات همچون اکسیری شفافبخش، حیاتی جدید و روح اقتصادی، اجتماعی تازه‌ای را به پیکر تعاونیها دمید. دیگر اهداف و وظایف مبتنی بر اصول جدید تعاون، به تعاونیهای مصرف امکان هم‌اوردی با رقابت روزافزون اقتصادی و حفظ منافع اعضا و در نهایت، اثبات حضور واقعی‌شان را در اقتصاد مجارستان می‌داد.

## اصول اولیه و تاریخچه

نهضت تعاون در مجارستان، نخست در نیمه قرن نوزدهم بوجود آمد و با تبعیت از قانون بازرگانی کار خود را آغاز نمود به دنبال این پیدایش، تعاونیهای مصرف و خرده‌فروشی با روند رشدی سریع از دیگر تعاونیها پیشی جستند. و با فعالیت در جو بازار آن زمان و با حفظ منافع اعضا، شرایط زندگی مردم را در جهت صلاح سوق دادند.

کار آنان به خرید و فروش محدود نمی‌شد، بلکه تولیدات کشاورزی، صنایع تبدیل مواد غذایی و گشایش اعتبار و سایر خدمات نیز در کارنامه تعاونیها می‌گنجید.

با پشت سرگذاردن سال ۱۹۴۸، تعاونیهای مصرف، تعاونیهای جدیدالتاسیس روستایی و کمی بعد اخلاف قانونی آنان، یعنی تعاونیهای مصرف و بازاریابی قادر بودند اصول ارزشمند تعاون همچون عضویت داوطلبانه و آزاد و خودگرانی دمکراتیک را با توافل از چند مورد فعالیت تحمیلی دولت، در عمل ثابت کنند. اگر چه تعاونیها در برابر فشار کمرشکن سیاسی تاب آوردند و نهضت تعاون در روند تحکیم نظام سیاسی تک حزبی همچون وسیله‌ای بکار گرفته شد. اما تغییر رژیم در سال ۱۹۹۰ و تصویب قانون تعاون در سال ۱۹۹۲، اصلاحی در نظام تعاونی، حکومت صنفی و نظارت مدیریتی ایجاد نکرد. این موضوع در بیانیه‌های آی.سی.ا.که به این زمینه‌های فوق مربوط می‌شد. در عملکرد نهضت تعاون مجارستان منعکس شده و مشهود است.

## نظام خودمختار تعاونیهای مصرف

### مجارستان

تعاونیهای مصرف به نسبت نیازهای جمعیت انبوه اعضا خود به اشکال گوناگون وسعت یافتند. قوانین اجرایی آنها برپایه اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی مختلف و در چارچوب قوانین تعاونی تعریف شده‌اند.

نهاد اصلی تعاونیهای مصرف همان مجمع عمومی است که مجامع منطقه‌ای را در اقصی نقاط کشور شامل می‌شود و در مورد چند و چون مسائل مهمی چون ادغام، انشعاب، انحلال و تغییر کار فعالیت‌ها را تصمیم‌گیری می‌نماید. مجامع منطقه‌ای به منظور تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های تجاری و اجتماعی تعاونی و حصول اطمینان از اجرای کامل قطعنامه‌ها، مجمع نمایندگان را برمی‌گزینند.

این نهاد همچنین هیئت مدیره و رییس آن را که در عین حال ریاست تعاونی را نیز برعهده دارد، انتخاب می‌کند. اهمیت محلی و منطقه‌ای نقش و نفوذ مقام ریاست هیئت مدیره منوط به انتخابات آزاد و دمکراتیک است. انتخاب کمیته ناظر از میان اعضا و انتخاب مقام ریاست آن، بطور جداگانه در واقع تضمینی بر اجرای صحیح وظایف محوله است.

## کنترل و نظارت

طی شش تا هفت سال اعمال اقتصاد انتقالی، برهمگان روشن شد که انطباق این گونه از اقتصاد با اقتصاد بازار تا چه حد برای مدیریت شرکتهای دولتی سابق و تعاونیهای سوسیالیستی دشوار بوده است. دلیل را در این واقعیت می‌توان جستجو کرد که اعضا هیئت مدیره یک تعاونی نه براساس ضوابطی چون

توانایی و تخصص، بلکه به شکل موروثی و براساس روابط انتخاب می‌شدند.

در سالهای حاکمیت انتقالی، اعاده داراییها امری بود که سخت به مبارزه پی‌گیر مدیران تعاونی محتاج بود. به جریان انداختن اصولی اموال و داراییهای تعاونی در رقابت تنگاتنگ بازار کاری بس دشوار و در این شرایط، مشاهده روند خصوصی‌سازی امکان پذیر بود. این روند بطور متمرکز تحت کنترل بود اما در بسیاری موارد نیز بدون انگیزه قبلی پیش می‌آمد. زمینه‌های پیگرد قانونی و فعالیت برای تضمین آینده تعاونی آشکارا برای آنان وجود داشت و متاسفانه این زمینه تا امروز نیز به قوت خود باقی است و از همین رو نظارت صنفی بیشتری نیز اجتناب‌ناپذیر است. مدیریت و اداره اموال را باید اکیداً مقوله‌ای جدا از نظارت صنفی دانست تا اینگونه از سرمایه‌های اعضا حمایت شود.

گرچه این دو فعالیت غالباً در هم می‌آمیزند و عملکرد سودآور و حفاظت جمعی از دارایی تعاونی قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.

همانگونه که در مطالعات آی.سی.آی و از جمله در سوابق حاکمیت صنفی و سیستمهای کنترل مدیریت در تعاونیهای اروپایی منعکس می‌باشد، چرخش مقامات تعاونی در هیئتهای منتخب در حدی ناچیز انجام شده که جای تأمل دارد تا شاید تعاونیهای آینده به دست جوانانی با تحصیلات عالی اداره شوند. این بدان معنا نیست که افراد سالخورده و باتجربه را از صحنه کنار بگذاریم، بلکه باید سیاستی را در پیش گرفت تا جوانان در تصمیم‌گیریها و رهبری تعاونیها بیش از پیش دخیل باشند.

ارتباط میان هیئت مدیره و کمیته نظارت همواره بحث برانگیز بوده است. هیئت مدیره

و در صورت رهبری فردی، یک رییس عملاً با کمیته نظارت مرتبط نمی‌باشند و اعضاء را نیز در جریان فرآیند تصمیم‌گیریها قرار نمی‌دهند.

طی دهه ۱۹۹۰، مدیریت تعاونی درگیری همه جانبه‌ای با افراد دست‌اندرکار نظارت جمعی و حمایت از منافع اعضاء داشت.

در نتیجه خصوصی‌سازی‌های داراییها و کاهش تعداد اعضاء، نفوذ مدیریت بر اموال تعاونی افزایش یافت و منافع اعضاء با در اولویت قرار گرفتن مسئله سودآوری روند سابق را در پیش گرفت. این وضعیت بتدریج شدت گرفت چرا که رقابت بازار با هر طرفندی که سراغ داشتند، نوک پیکان خود را به سمت تعاونیها می‌گرفتند.

کمیته‌های نظارت باید از افرادی تعلیم دیده و متقی تشکیل شوند و بدین لحاظ تعاون



مجارستان از هرگونه تلاش در جهت سازماندهی امر آموزش برای اعضاء و سرپرست کمیته‌های نظارت حمایت بعمل می‌آورد.

از یکسو مدیران تعاونی چندان به مشکلات اعضاء علاقمند نیستند و تمایلی نیز به یافتن راه حلی سریع برای این مشکلات ندارند و از سوی دیگر وسعت بسیاری از تعاونیهای خود عامل بازدارنده‌ای برای روابط موثر اعضاء می‌باشد.

این بدان معناست که نقش کمیته‌های اجرایی منطقه‌ای، نقشی محوری و اساسی است چرا که این کمیته‌ها می‌توانند تجربیاتی را که طی نشستهای اعضا کسب نموده‌اند به مدیریت تعاونی انتقال دهند.

آی.سی.آی. همچنین مسئله تامین مالی کارکنان را خاطر نشان می‌شود. تجربه تعاون در مجارستان گویای آن است که چنانچه به نسبت وسعت تعاونی، سطح درآمد، تعداد کارکنان و غیره، پرداختهای مالی تکافوی نیاز کارکنان را بنماید، کار هیئت مدیره و کمیته‌های نظارت نیز از لحاظ کمی و کیفی بهبود خواهد یافت.

### آرزوهای بزرگ

از ژانویه سال ۱۹۹۷ قانون جدیدی بر امور تعاونیهای کشور مجارستان حاکم شده و حامیان تعاون به این قانون جدید چشم امید بسته‌اند.

- قانون جدید باید متضمن علت وجودی تعاونیها باشد، یعنی نهادی که از اساس سیر و به رشدی داشته و این حرکت را از خود اعضاء تعاونیها با داشتن دو هویت آغاز نموده است: اعضاء از یک سو خود مالک تعاونی هستند و از سوی دیگر مشتری محسوب می‌شوند.

- این قانون باید در روند خصوصی‌سازی

داراییها که عمل سیاسی کوتاه مدتی است مداخله نماید. هدف این است که سهم داراییهای غیر قابل تقسیم تعاونها در کل داراییهای تعاونی افزایش یافته و اینگونه همبستگی بیشتر تجاری با بازار تضمین شده و سهم و منافع اعضاء در این میان مشخص شود. - در جریان تغییر قانون، اعلام سهم رسمی تجارت خارجی پیشرفتی محسوب می شود که کاملاً با نظام تعاونی در تضاد و تقابل است. بدین شکل که مالکیت تعاونی در دست اعضاء آن است، همانگونه که صاحب سهم تجارت خارجی، با خرید مستقیم یا با حق انتقال، سهام خود را بدست آورده است. انتظار می رود که قانون جدید، سهام تجارت خارجی را حذف نموده و دولت، تعاونها را در باز خرید این سهام یاری دهد.

- همچنین انتظار می رود که با وجود قانون جدید، تعاونها بی هیچ شبه و ابهامی، به عنوان یک ماهیت اقتصادی معرفی گردند و این به دو طریق امکان پذیر است:

۱- قانون از یک تعاونی، تعریفی ارائه دهد (بدون تمایز بین تعاونیهای تولید یا مصرف) کسه تعاونها بتوانند بوسیله آن ویژگیهای خاص خود را مشخص نمایند، یا

۲- قانون ویژگیهای انواع مختلف تعاونی را در یک فصل جداگانه با تعاونیهای تولید و مصرف تعریف نماید.

پیامد اجرای هر یک از این روشها، نظام تعاونی مجارستان را قادر خواهد ساخت تا در اقتصاد متحول بازار، با پیروی از قوانین صریح و در جوی حمایت شده، بطور موثر به رقابت بپردازد.

- پیش از این اشاره شد که مقررات تعاونی، کار نظارت صنفی را ساده نمی کند. از این رو انتظار می رود که قانون جدید،

انجمنهای ملی و منطقه ای را به نظارت و سرپرستی بر فعالیتهای تعاونیها و نظام مدیریتی آنها قادر نماید.

- نیاز به وحدت و یکپارچگی بیش از پیش ناشی از فضای متحول اقتصادی است و قانون جدید باید از طریق وضع قوانین ساده و روشن، روند یکپارچگی را تسهیل نماید.

امروزه تعاونیها و دیگر سازمانهای مجارستان که نمایندگان حافظ منافع این کشور می باشند از دولت جمهوری مجارستان انتظار دارند تا بدون ابهام و بطور قطع نهضت تعاون را به عنوان جزء لاینفک اقتصاد و جامعه

بقیه از صفحه ۳۳

از کشورها در بسط کمک مهم خود به توسعه پایدار محلی، از برنامه های توسعه محلی و نیمه منطقه ای به خصوص در مناطق محروم روستایی و مناطق قدیمی صنعتی در مراکز شهرها، که در آن فقر دامن گسترده است، حمایت می کنند. مثلاً در کپک کانادا گروه «مودمان دکه سه دژاردن» بزرگترین موسسه مالی استان و پنجمین موسسه کانادا به «اتحادیه های کارفرمایان» و دولتهای محلی پیوست تا کار آفرینان محلی را برای فعالیت در مناطق محروم استان برانگیزد و بخشی از این کار را توسط ۱۲ شرکت سرمایه گذاری منطقه ای انجام داد.

تعاونیهای توسعه محلی در مراکز شهرها و مناطق محروم روستایی در بسیاری از اقتصادهای مبتنی بر بازار و در سرتاسر اقتصادهای در حال توسعه مبتنی بر بازار وسیله ای برای بسیج منابع محلی و هدایت کمکهای خارجی است و سرانجام اینکه در

مجارستان بشناسند. این امر محقق نمی شود مگر با درگیر کردن اتحادیه های تعاون در تهیه پیش نویس قوانین جدید و در نتیجه بهره مند شدن از آراء کارشناسی و لحاظ نمودن دیدگاههای آنان.

برگزاری مجمع منطقه ای آی.سی.ا.در بوداپست و همبستگی تعاون بین الملل، کمک بزرگی به تحقق آرمانهای مجارستان است. مهمترین هدف آن است که نهضت تعاون مجارستان همواره عضوی قوی و موفق در نهضت تعاون اروپا باقی بماند.

مناطق سابقاً صنعتی شمال سوئد، دولتهای محلی و موسسات توسعه تعاونی از ایجاد یک اقتصاد تعاونی نوپا حمایت کرده اند.

### همبستگی بین المللی

یکی از اصول تعاونی که در سرتاسر دنیا در میلیونها تعاونی به کار می رود این است که تعاونیها برای تامین هر چه بهتر منافع اعضاء و محیط زندگی آنها هر جور که ممکن است در همه سطوح با دیگر تعاونیها همکاری کنند. این امر باعث می شود تا مستضعفینی که سعی می کنند یک تعاونی به وجود آورند بتوانند از حمایت و کمک عملی تعاونی مجاور، منجمله موسسات مالی بهره مند گردند و همچنین با عضویت در اتحادیه های گسترده تعاونی بر تصمیم گیریهای ملی نفوذ اعمال کنند چرا که در غیر این صورت فرصت انجام آنرا کمتر خواهند داشت. مثلاً جامعه اروپایی تعاونیهای مصرف (بوروکوآپ) رسماً مسئولیت تهیه پیش نویس رهنمودهای «اتحادیه اروپا» در مورد مواد غذایی را پیدا کرد و بر اثر پافشاری موفق شد در «پیمان اتحادیه اروپا» ماده ای برای حمایت از مصرف کنندگان بگنجاند.

**در بسیاری از تعاونی‌های مسکن «محل کار» به عنوان یک عامل مشترک پیونددهنده عمل می‌نماید. وجود این عامل، کار تعاونی را ساده‌تر می‌کند چرا که بازپرداخت وام‌های دریافتی، از طریق کسر بخشی از حقوق کارکنان شاغل در آن محل که عضو تعاونی هستند امکانپذیر می‌باشد.**

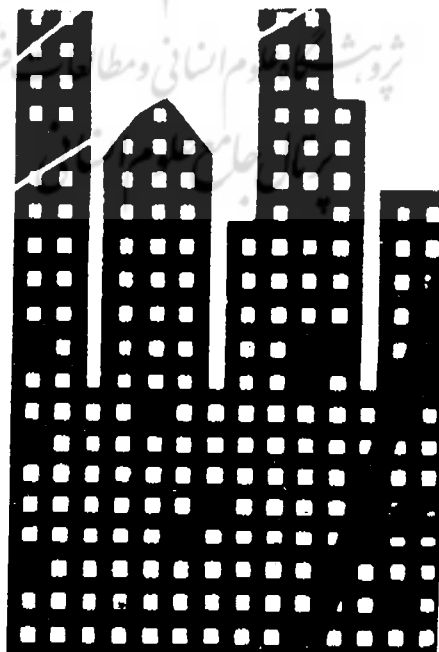
ساختار مناسبی برای جلب مشارکت عمومی وجود داشته باشد. در عین حال ارتقاء سطح مهارتی اعضای از طریق آموزش موجب تقویت این ساختار می‌گردد. موارد مختلفی از امور اجرایی تعاونی شامل برگزاری دوره‌های عمومی‌تر برای اعضای عادی و دوره‌های تخصصی برای رهبران منتخب تعاونی می‌تواند به عنوان دوره‌های آموزشی برای تعاونی مطرح باشد. در خصوص زمینه‌های آموزش می‌توان مواردی مانند: «تعاونی چیست - یک سازمانی غیرانتفاعی»، «اهداف تعاونی»، «تصرف»، «ساختار تشکیلاتی»، «نحوه اداره تعاونی‌ها»، «روش‌های آزادمنشانه نظارت و کنترل»، «جنبه‌های قانونی و خصوصاً افزایش آگاهی اعضای پیرامون قوانین»، «حقوق و تعهدات اعضا»، «روش‌های هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی فعالیت‌های تعاونی»، «سازماندهی امور و ساختمانسازی توسط خود افراد»، را می‌توان ذکر کرد.

در هر چهار مورد مطالعه، نیاز و توجه به توسعه منابع انسانی از طریق آموزش و برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای و لحاظ نمودن امر آموزش بعنوان یک فعالیت دائمی در ساختار تشکیلاتی هر تعاونی به وضوح احساس می‌شود.

جامعه تعاونی "CPWCS" با تشکیل جلسات آموزشی برای اعضای خود آموزشهای لازم را در مورد مفاهیم و رویکرد تعاونی،

حقوق و تعهدات و همچنین مسئولیت‌های اعضا در قبال تعاونی به آنها ارائه نمود. در این جلسات بود که مسئولان و مدیران تعاونی می‌توانستند علاقمندی لازم را در میان اعضا برای رویکرد بسوی تعاون ایجاد نمایند و به دنبال آن توانمندی‌های کافی را در میان آنها برای درک مسائل مالی در یک شرکت تعاونی بوجود آورند. در چارچوب همین نظام آموزشی، آموزشهای ضمن کار به اعضایی که امر ساخت مسکن خود را بر عهده گرفته‌اند ارائه گردید.

تعاونی (J.I.GOMEZ) جلسات منظمی در آخر هر هفته برگزار می‌نمود که در آن جلسات تمامی جوانب فرایند ساختمانسازی مورد بحث قرار می‌گرفت و در همین جلسات



بود که بسیاری از اختلافات به تدریج حل می‌شد. کار آموزش در بنیاد PAG بیشتر بصورت موردی بوده است. مددکاران اجتماعی بنیاد بصورت مأمور با خانواده‌های عضو جامعه تحت پوشش بنیاد کار می‌کردند و مسائلی از قبیل برنامه‌های مسکن و اشتغال و انتظاراتی که در این برنامه‌ها از اعضا می‌رود و منافعی که هر خانواده در قالب مشارکت با سایر اعضا جامعه کسب خواهند نمود را با آنها به بحث می‌گذاشتند.

در اتیوپی، بخش تعاونی‌های مسکن در وزارت مسکن و شهرسازی دارای یک واحد آموزشی است و وظیفه دارد برای تمام تعاونی‌های مسکن دوره برگزار کند. در این واحد، آموزش‌دهندگان در چارچوب برنامه‌ای سازمان یافته یک بسته آموزشی ویژه‌ای را به تعاونی‌های مسکن ارائه می‌نمایند. محتوی دوره‌های آموزش و شیوه‌های آموزش باتوجه به ویژگی‌ها و تعلقات قومی اعضا متفاوت است. باتوجه و گسترش تعاونی‌های مسکن، طراحی و اجرای شیوه‌های استاندارد و فراگیری آموزشی و قابل تطبیق با شرایط و موقعیت‌های مختلف در چارچوب نظام توسعه مسکن تعاونی برای اعضا اینگونه تعاونی‌ها امری کاملاً مطلوب و ضروری است.

\* COOPERATIVE HOUSING:  
EXPERIENCES OF MUTUAL SELF  
HELP, UNCHS, NAIROBI 1989